

"معیارهای سنجش قد کوتاهان"

در صفحه ۶

شاخص های اساسی توسعه

در صفحه ۸

مسابقات جهانی فوتبال

آغاز شد



در صفحه ۴

کمیته دفاع از سعیدی سیرجانی: اعترافات سیرجانی ساختگی است



سعیدی سیرجانی

● خانواده سعیدی سیرجانی از ۳ ماه پیش از محل بازداشت وی بی خبرند

● حمید مصدق وکیل مدافع سعیدی سیرجانی هنوز نتوانسته است با موکل خود دیدار کند

پس از انتشار مطالبی که علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی به عنوان "اعترافات سعیدی سیرجانی" در اختیار روزنامه های تهران قرار داد، کمیته دفاع از سعیدی سیرجانی با صدور بیانیه ای اعلام نمود که نوشته منتسب به سعیدی سیرجانی تکرار همان اتهام های وزارت اطلاعات است.

در این اعلامیه آمده است: "اعترافات با نشر و شیوه ای نوشته شده که هیچ شباهتی به شیوه نگارش سعیدی سیرجانی ندارد و اتهاماتی که به آنها اعتراف شده است، همان اتهاماتی است که چندی پیش از سوی مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به نویسنده و پژوهشگر ایرانی نسبت داده شده.

کمیته دفاع از سیرجانی در اعلامیه خود نوشته است: فشار روزافزون بر نویسنده زندانی و خطری که جان وی را تهدید می کند و امکان مجبور

نشده است.

در یکماه گذشته هزاران نویسنده از کشورهای مختلف جهان با انتشار بیانیه هایی در اعتراض به بازداشت سیرجانی خواستار آزادی بدون قید و شرط او شده اند.

نوشته ای که به نام اعترافات سعیدی سیرجانی در اختیار رسانه ها قرار گرفت و در برخی روزنامه های تهران انتشار یافت، نامه ای است که گویا سیرجانی خطاب به بازجوی اسلامی موفق به دیدار با موکل خود

ادامه در صفحه ۳

محمد علی عمویی را آزاد کنید!

● قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان، از مردم ایران و جهان

خواست برای آزادی او تلاش کنند

طلب امداد کرده است. عمویی گفته است: این خواست خود را در دیدار و گفتگوی حضوری با آقای گالیندوئل نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، به هنگام بازدید وی از زندانهای ایران در میان نهاده و از وی خواسته است که این خواست را به جهانیان اعلام کند.

محمد علی عمویی ۷۱ ساله است

محمد علی عمویی، که اکنون قدیمی ترین زندانی سیاسی جهان نام گرفته است، از مردم ایران و کلیه مجامع بین المللی خواست که برای آزادی او تلاش کنند. نشریه راه توده در اطلاعیه ای به تاریخ ۲۷ خرداد، ضمن اعلام این خبر نوشته است: مسئولان زندان های حکومت از عمویی خواسته اند در صورتی که حاضر شود بر "مرگ مارکسیسم" صحنه گذارد، در حکم اعدام او تجدید نظر خواهند کرد. به نوشته نشریه فوق محمد علی عمویی، ضمن رد این تقاضا "از مردم ایران، کلیه مجامع بین المللی، انجمن های حقوقی و تشکلهای طرفدار آزادی و حقوق انسانی" برای آزادی خود

علیرغم کار شکنی حکومت اسلامی

مراسم یادبود کتر مهدی آذر

در تهران برگزار شد

آگهی در روزنامه اطلاعات اعلام شده بود. اما، خانواده وی با درج آگهی هایی در روزنامه های کیهان و اطلاعات این مراسم را لغو کردند. از سوی دیگر مسئولین مسجد در خیابان سهوردی شمالی نیز اعلام کردند از برگزاری مراسم جلوگیری خواهند کرد. به گزارش خبرنگار برون مرزی حزب ملت ایران، دلیل لغو مجلس ترحیم مخالفت و کار شکنی حکومت اسلامی با این مراسم بوده است.

پیرامون مجلس ترحیم کتر مهدی آذر چاپ کرده است، با خوشحالی ادامه در صفحه ۲

مجلس یادبود کتر مهدی آذر، شخصیت برجسته ملی و یکی از بنیانگذاران جبهه ملی ایران و وزیر فرهنگ در کابینه دکتر مصدق، روز دوشنبه ۲۳ خرداد در تهران برگزار شد. از برگزاری مراسم در محل اعلام شده جلوگیری شد، اما در محوطه مقابل مسجد حجت ابن الحسن در خیابان سهوردی شمالی شمار زیادی از دوستان و نزدیکان دکتر آذر از جمله تعدادی از رهبران جبهه ملی گرد آمدند و یاد او را گرامی داشتند.

مراسم یادبود کتر مهدی آذر از سوی "فارغ التحصیلان سال چهل و چهار دانشکده پزشکی" از طریق یک

موسسات خصوصی اعتباری اجازه فعالیت یافتند

● تنها تفاوت این موسسات با بانکها عدم ارائه خدمات مربوط

به حسابهای جاری است

است، به خودی خود اعتراف به این واقعیت است که مردم نسبت به بانکهای دولتی بی اعتمادند. علاوه بر این تکلیف سود و بهره به حسابهای سپرده روشن نیست. قوانین جمهوری اسلامی سود سپرده های بانکی را "ربا" و از نظر شرعی حرام دانسته است.

اگر قرار باشد در موسسات اعتباری خصوصی این قانون لازم الزام رعایه شود، قطعاً تأثیری در تشویق مردم به پس انداز کردن نخواهد داشت. ریشه بی اعتمادی مردم به بانکها در در خود بانکها، بلکه اساساً در اوضاع بی ثبات و مبهم و مفلوک اقتصادی کشور است که بیشتر اشتیاق به تبدیل پس اندازها به ارزهای معتبر یا خرید زمین و ملک را تقویت می کند. در فضای اقتصادی - سیاسی حال حاضر کشور، بنظر نمی رسد موسسات جدیدی که شکل خواهند گرفت به اهداف اعلام شده دولت کمک برسانند.

یک عامل دیگر که تمر بخشی موسسات اعتباری خصوصی را از همین حالا به زیر علامت سؤال برده است، سرنوشت شرکت های مشاربه ای است. این شرکت ها نیز نوعاً موسسات مالی خصوصی بودند و ظاهراً به جذب پس اندازهای مردم و استفاده از آنها در امر سرمایه گذاری اشتغال داشتند، اما در واقع این شرکت ها کانون های فساد و تباهی مالی و محلی بودند برای بالا کشیدن پول های مردم. هیچ معلوم موسسات جدید نیز چنین سرنوشتی پیدا کنند.

بر اساس آخرین تصمیم دولت که هفته گذشته اتخاذ گردید، "موسسات اعتباری خصوصی" اجازه فعالیت خواهند داشت. آئین نامه تأسیس و فعالیت این موسسات که در واقع همان بانکهای خصوصی هستند، هفته گذشته به تصویب رسید. تصمیم دولت در دادن اجازه به بخش خصوصی در فعالیت های بانکی، ماه گذشته توسط محمد حسین عادل رئیس بانک مرکزی در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام گردید. در این مصاحبه عادل گفت: این موسسات خصوصی اجازه خواهند داشت در مورد پس انداز، وام و اعتبارات فعالیت کنند و هدف از این تصمیم این است که مردم به پس انداز کردن پول خود تشویق شوند.

تنها تفاوت این موسسات با بانکها این است که قرار نیست این موسسات خدمات مربوط به حسابهای جاری ارائه کنند. رئیس بانک مرکزی در این زمینه گفته است: موسسات اعتباری غیر بانکی اجازه خواهند یافت انواع حساب های سپرده و وام را در اختیار مشتریان خود قرار دهند. ولی مردم نمی توانند در این گونه موسسات حساب جاری باز کنند.

بانکهای ایران اندکی پس از انقلاب همگی دولتی شدند و این نخستین بار است که بخش خصوصی در عملیات بانکی امکان فعالیت پیدا می کند. اعلام اینکه هدف از دادن مجوز فعالیت به بانکهای خصوصی تشویق مردم به پس انداز کردن

شرم یک حس شریف انسانی است

"من به صراحت اعلام می کنم که در جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کجای دنیا حقوق بشر رعایت می شود و ما حاضریم با هر کسی که خیر از این ادا کند مناظره کنیم

این عین سخن کسی است که متأسفانه "رئیس جمهور" کشور ما است. او با خوشنودی پرشگفتی در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود چشم در چشمان یک ملت دوخته و در حضور ۱۸۰ خبرنگار حرفی زده است که هم خود نزد وجدان خویش خوب می داند دروغ محض است و هم خوب می داند هیچکس نیست که آن را باور کند.

می گویند شرفیان، از جمله ایرانیان، راحجبی هست که در دیگران به این حد نیست و در هیأت این آقای رئیس جمهور آنچه نیست ذره ای از این حس شریف انسانی است.

سخن از سال ها پیش نیست. سخن از روزهای پرتب انقلاب نیست که صد ها هزاران نفری بر خورداری از وکیل مدافع و محاکمه عادلانه اعدام شدند. سخن از آن ماههای خونی سال های ۶۰ و ۶۱ نیست که هزاران جوان و نوجوان در شعله های خشم دژ خیما سوختند. سخن از سالهای ۶۷ و ۶۸ آن کشتارهای هولناک زندانیان سیاسی نیست. آری سخن از گذشته ها نیست.

سخن از زجری است که هم امروز امیران نظام ها و سعیدی سیرجانی ها و صومنی ها بداند گرفتارند. سخن از همه ی آن جان هایی است که هم امروز زیر تیغ استبداد در زندان ها پر میزنند و پر می شوند. سخن از احمد صدر لا هجانی، این آخرین قربانی تروریسم برون مرزی این رژیم و از هزاران انسان دیگری است که حتی در خارج کشور ساقیه ی گروه های ترور جمهوری اسلامی را پشت سر خود می بینند.

سخن از آزادی بی قید و شرط احزاب سیاسی، استقلال کامل رادیو و تلویزیون، مطبوعات، جدایی کامل دین و دولت و یابری کامل زن و مرد در میان نیست. سخن از کشوری است که در آن حتی رنگ لباس هم آزاد نیست. آواز زن حرام است. سخن از کشوری است که مجازات یک طنز حتی اعدام است.

آقای رفسنجانی از حقوق بشر در کشوری حرف می زند که بیش از ۳ میلیون اتباع فر هیخته اما ناراضی آن، از جو رژیم جلا ی وطن کرده اند. آواز وضعیت حقوق بشر در کشوری دفاع می کند که در آن حق حکومت از آن رهبری است که نه برگزیده مردم است و نه تابع قانون، کشوری که طبق قانون، قوانین آن مردم آن باید همیشه مطیع و هیر باشند. هر چهار سال یک بار مردم فرا خوانده می شوند که رای دهند کدام کس یا کسان در اجرای منویات آن "رهبر شایستگی بیشتر دارند.

ویژگی برجسته ی "رئیس جمهور" کشور ما مهارت غریب او در کشف و ارائه راه های حفظ و دوام یک رژیم قرون وسطایی در پانزده قرن بیستم است. هیچ کس در این رژیم نیست که به خوبی این شخص تشخیص دهد

ادامه در صفحه ۲

دولت آلمان در اختیار جمهوری اسلامی قرار می دهد:

تجهیزات کامپیوتری برای ردیابی مخالفان

در یکسال گذشته این دومین بار است که خبر همکاری اطلاعاتی دولت آلمان با دولت جمهوری اسلامی در زمینه اطلاعاتی و امنیتی به بیرون درز پیدا می کند. سال گذشته بمواظت ادامه کار دادگاه رسیدگی به ترور میکروس در برلین، روزنامه های آلمانی فاش ساختند که

میان بن و تهران همکاری اطلاعاتی و امنیتی گسترده ای وجود دارد و دولت آلمان تاکنون دو کامپیوتر پیشرفته همراه با نرم افزارهای لازم جهت استفاده در امر امنیتی و اطلاعاتی در اختیار سازمان امنیت و اطلاعات جمهوری اسلامی قرار داده است.

دولت آلمان موافقت کرده است کامپیوتر پیچیده و مجهزی را در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار دهد که با آن می توان رد مخالفان را در داخل و خارج کشور پی گرفت. روزنامه ساندی تایمز که این خبر را منتشر کرده است، می نویسد آنچه که دولت آلمان در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار می دهد، تجهیزات جاسوسی پیشرفته شامل کامپیوترها و نرم افزارهایی است که برای ردیابی مخالفان در داخل و خارج طراحی شده است. گفته می شود در مقابل تحویل چنین تجهیزاتی، تهران تعهد کرده است از این امکانات برضد مخالفان رژیم اسلامی در آلمان استفاده نکند!

یادداشت

بازی با "برگ عراق"

سفر اعلام شده ولایتی بغداد به تعویق افتاد. این چندمین بار پس از برقراری آتش بس میان دو کشور است که هر بار خبر چنین رفتن و آمدن هایی منتشر می شود، ولی سپس مسکوت می ماند. خبر این آخری چنان بود که گویا این بار دیگر مسئله جدی است و وزیر خارجه جمهوری اسلامی به بغداد خواهد رفت و طبعاً این امیدواری نیز تا حدی بوجود آمد که شاید بخشی از مسائل فیما بین، لا اقل مسئله باقی مانده اسرای جنگی که مسئله ای انسانی و مربوط به زندگی و سرنوشت دهها هزار انسان بیگناه در هر دو کشور است، فیصله یابد. اما چنین اتفاقی رخ نداد و عجیب آنکه معلوم نشد که در این یک ماه چه اتفاقی موجب تعویق - و در واقع لغو - این سفر شد.

آقای ولایتی در مصور در اجلاس وزرای خارجه غیر متعهد ها بود که تصمیم سفر ایشان به بغداد اعلام شد. همان اجلاسی که قرار بود ولایتی با همتای مصری خود مذاکره کند و از قرار انتظاراتی نیز از این ملاقات در تهران وجود داشت. بنظر می رسد اگر بتوان موجباتی برای لغو سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به بغداد پیدا کرد، در همین جاست. ظاهراً در دیدار آقای ولایتی با همتای مصری اش، منظور بر آورده نشده و به همین دلیل آقای ولایتی تصمیم گرفت به بغداد برود!

راست این است که قرار نبود - یا به احتمال قوی قرار این نبود - ولایتی به بغداد برود. چرا که، در این دوسه سال گذشته رفتار و سیاست جمهوری اسلامی در ارتباط با عراق نه کوشش مسئولانه در حل و فصل باقی مانده مسائل جنگ میان دو کشور علی الخصوص حل مسئله اسرا، که در اساس بازی با "برگ عراق" در کشاکش پنهان و آشکار با عربستان و مصر است.

تا کنون تقریباً چنین بوده که هر بار جمهوری اسلامی در برابر فشار محور ریاض - قاهره قرار گرفته، فوراً نگاهش متوجه بغداد شده است. نگاهی که پیام تهدید آمیز قرار گرفتن تهران در کنار بغداد علیه عربستان را با خود دارد. از این نظر، این مورد آخری هیچ کم و کسری نداشت. دیداری که ماه پیش ولایتی و وزیر خارجه مصر در قاهره ظاهراً به نتایج مورد نظر تهران دست نیافت. از آنسو، عربستان مانع برگزاری مراسم براثت از مشترکین شد و مهمتر از آن شاه فهد در پیام سالانه خود به مناسبت مراسم حج، برای نخستین بار شخصاً ادعای امارات بر سه جزیره ایرانی را مطرح کرد و جانب امارات را گرفت. اینجاست که در تهران "دیپلماسی سفر به بغداد" فوراً به کار افتاد. اما اندکی بعد وقتی اجلاس اوپک و مسئله بهای نفت، بویژه کاندیداتوری ایران برای دبیر کلی اوپک پیش آمد، سفر آقای ولایتی به بغداد به مدت نامعلومی به تعویق افتاد! شاید بتوان گفت این کل دیپلماسی جمهوری اسلامی در منطقه در مقابل محور عربستان سعودی و مصرو سایر متحدان آنهاست: بازی با برگ عراق

در مناسبات بین المللی نمی توان بر چنین "بازی هایی" چندان خرده گرفت. اما باید دید که این بازیها تا چه میزان تأمین کننده منافع و مصالح یک کشور است. در مورد کشور ما این دیپلماسی هیچگاه تأمین کننده منافع ایران نبوده و نیست. جمهوری اسلامی به جای تغییر در اساس سیاست خارجی خود و استفاده از امکانات مساعد و مشروع بین المللی برای دفع هر گونه فشار سوء احتمالی، با دست خود برای کشور ما مشکل آفرینی می کند. و برای رفع این مشکلات که بخش زیادی از آنها را خود بوجود آورده، ناچار به موجودی چون صدام حسین روی می آورد که کشور ما بیش از هر کشور دیگر در منطقه از سیاستهای رژیم او آسیب دیده است. با چنین سیاستی، عملاً مشکلات میان کشور ما و عراق همچنان لا ینحل مانده است که اگر پاره ای از آنها تحمل پذیر باشد، مسئله انسانی بزرگی چون مسئله اسرا تحمل ناپذیر است. تا کی باید زندگی و سرنوشت هزاران انسان بیگناه قربانی این دیپلماسی کیف گردد؟

شرم یک حس شریف ...

ادامه از صفحه ۱

تضاد میان ولایت فقیه و نیازهای جامعه ما تا چه حد است. او "صادقانه" میخواهد (نه اینکه می تواند) سیاست هایی با اجرا گذاشته شوند که تن ندادن به آنها مرگ زود رس رژیم را رقم می زند. اما "مهارت" رئیس جمهور فراتر از این است. او در همین حال این را نیز خوب می داند که با تن دادن به کدام سیاست ها و نیازها رژیم ولایت فقیه قالب تهی می کند.

آقای رفسنجانی هم خوب می داند که جامعه ما تا چه حد نیازمند استقرار دموکراسی و رعایت چه حد از حقوق انسانی است و هم خوب می داند که این نیاز تا چه میزان با رژیم ولایت فقیه و هیات حاکمه ای آن بیگانه است. مهارت این رئیس جمهور آنست که تشخیص داده است این بار راه مفید آن نیست که دموکراسی و حقوق بشر به سیاق سنگ شدگان مذموم و مضراً اعلام شوند. راه مفید به سیاق رفسنجانی آنست که چنان بیشتر مانده و خوشتر در این باره دروغ گفته شود که کسی را شهادت ترید در آن باقی نماند.

آقای رفسنجانی، بنام رئیس جمهور، مخالفان را به مناظره پیرامون وضع حقوق بشر در ایران دعوت کرده است. این دعوت پوچ و غیر جدی است. آنقدر غیر جدی است که هیچ واکنش را از هیچ سو برنمی انگیزد. او یک رئیس جمهور ضعیف و بی اختیار است. او خود می گوید همه چیز در این مملکت تابع رای و اراده ی ولایت فقیه است. حرف او مفت و بی پشتوانه است.

مگر نه اینکه سران رژیم به شمول شخص وی، نه دهها، که صدها بار تا کنون از سوی طیف مخالفان به مناظره تلویزیونی فراخوانده شده اند؟ هم او هم تک تک سران این حکومت می دانند که مناظره و شرکت مخالفان در آن نیش خنجر است بر سینه ولایت فقیه.

رئیس جمهوری اسلامی ایران دودروغ بزرگ را در آن واحد با هم در آمیخته است. شاید به این امید که در صف مخالفان، شهادت و عزم اعتراض علیه آن رنگ بازدهد و شاید به این امید نیز که عظمت این دروغ قدر او را در چشم حامیان برجسته ترکند. او گفته است حقوق بشر در ایران بیش از دیگر کشورها رعایت می شود و او حاضر است با هر کسی که جز این ادعا دارد مناظره کند. ادعای رعایت حقوق بشر در ایران به

در حاشیه سفر ولایتی به آلمان و معاون وی به فرانسه

حقوق بشر با زهم قربانی معاملات پشت پرده خواهد شد؟

می نشیند. حکومت اسلامی تا کنون در اکثر این معاملات موفق بوده است.

از این رو، این نگرانی بجای در بین نیروهای اپوزیسیون ایران وجود دارد که دولت های آلمان و فرانسه در دیدارهای اخیر با گردانندگان رژیم حاکم بر ایران در مورد رای دادگاه برلین و تشکیل دادگاه متهمین به قتل بختیار به معامله نشسته و بار دیگر حقوق بشر را قربانی نماید.

فعالیت های اپوزیسیون در سالهای اخیر در افشا نقش رژیم اسلامی در ترور مخالفین قابل توجه بوده است. در شرایط کنونی نیز نیروهای اپوزیسیون باید افکار عمومی و سازمانهای مترقی بین المللی را از خطر سازش و زدو بند دولت های آلمان و فرانسه آگاه سازند و با این دولت ها فشار آورند که دادگاه برلین مستقلاً نه رای خود را صادر نماید و دادگاه متهمین قتل بختیار هر چه سریعتر تشکیل گردد.

قبل در معامله با رژیم اسلامی دوتن از عاملین قتل کاظم رجوی را بجای اینکه به دولت سوئیس تحویل دهد، آزاد کرد تا راهی تهران شوند. در آن زمان مقامات دولت فرانسه گفتند که "منافع ملی" فرانسه چنین ایجاب می کرد. دولت آلمان نیز مدتی قبل طرح اصلی ترور برلین یعنی فلاحیان (وزیر اطلاعات رژیم اسلامی) را به آلمان دعوت کرد و فلاحیان در دیدار با مقامات آلمانی از آنها خواست که از برگزاری دادگاه برلین خودداری کنند.

به تجربه دیده شده است که غرب همواره منافع اقتصادی و سیاسی خود را بر مسئله حقوق بشر و مبارزه با تروریسم ترجیح می شمارد و بر احوال آنها را قربانی می کند. سران حکومت اسلامی بخوبی از این برخوردارند و آگاهند و از آن بیشترین بهره را پسود خود می گیرند. رژیم اسلامی مخالفین خود را در غرب ترور می کند و زمانی که قاتلین دستگیر شدند، بر سر آزادی آنها به معامله

این دیدار اظهار داشت که پاره ای مشکلات گذشته بین دو طرف در حال برطرف شدن است و روابط خوب ایران و فرانسه منافع زیادی برای هر دو کشور در بر دارد. این دو دیدار در بین محافل اپوزیسیون ایران، نگرانیهایی را برانگیخته است. نگرانی از سازش و معامله پشت پرده. تلاش رژیم اسلامی همواره این بوده است که با معامله گری و بازویندهای پشت پرده مقاصد شوم خود را پیش ببرد. سران حکومت بشدت نگران اعلام رای دادگاه برلین و تشکیل دادگاه متهمین به قتل بختیار هستند. آنها واهمه دارند که دادگاه برلین رسماً رژیم اسلامی را طرح ترور برلین اعلام کند و متهمین را محکوم نماید و دادگاه پاریس نیز همانند مورد برلین به کانون افشاگری تروریسم رژیم تبدیل شود.

اما جانب دیگر این معاملات کشورهای اروپایی و در حال حاضر فرانسه و آلمان هستند. فرانسه مدتی

ولایتی وزیر امور خارجه رژیم اسلامی در مسافرت به آلمان با هلموت کهل صدراعظم و کینکل وزیر امور خارجه و برخی مقامات دیگر این کشور دیدار و مذاکره نمود. خبر گزارها اعلام کردند که بدنبال این مذاکرات، هلموت شیمکوس مهندس و گرهارد باخمان بازرگان آلمانی که از مدتها پیش در ایران زندانی بودند، مورد عفو قرار گرفتند. هلموت شیمکوس قبلاً در دادگاههای جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده بود. در مورد علت این تصمیم خبری منتشر نشده است بهمین خاطر معلوم نیست که دولت آلمان در مقابل آزادی دو تبعه خود چه امتیازی به رژیم اسلامی داده است؟

محمود واعظی معاون وزارت خارجه نیز از فرانسه دیدار کرد و در ملاقات با فرانسوا میتران پیام رفسنجانی را بوی تسلیم نمود. در مورد مضمون این پیام نیز هیچ خبر رسمی انتشار نیافته است. میتران در

دیدار رئیس ادواری جامعه اروپا از ایران

همچنین در رابطه با مسئله ی بوسنی و هرزه گرین گفت که ما معتقدیم با تلاش کلیه ی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران باید از طریق راه های دیپلماتیک و مسالمت آمیز صلحی عادلانه را در منطقه ی بالکان برقرار کنیم.

وزیر خارجه ی یونان در دیدار با ولایتی در رابطه با موضوعی اخیر جامعه ی اروپا در مورد جزایر سه گانه گفت: بیانه ای که به تازگی از طرف جامعه ی اروپا در مورد جزایر سه گانه ی ایرانی صادر شده هیچ وجه نقطه نظرات جامعه ی اروپا نبوده است بلکه فقط نظرات امارات متحده ی عربی در این بیانه ملحوظ شده است.

وزیر خارجه ی یونان و رئیس ادواری جامعه ی اروپا در رأس یک هیأت سیاسی بمدت دو روز از ایران دیدار و با مسئولین جمهوری اسلامی درباره ی گسترش روابط ایران با اتحادیه ی اروپا و بحران بالکان و اوضاع خلیج فارس گفتگو کرد.

به گزارش روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری اسلامی، وزیر خارجه ی یونان ضمن اشاره به اهمیت نقش ایران در منطقه گفت: به رغم خواست برخی عوامل پر عدم پیشرفت همکاری ها، اکثر کشورهای اروپایی خواهان توسعه ی روابط حسنه و براساس احترام متقابل با ایران هستند. البته در این گزارش اشاره ای به عوامل مخالف همکاری ها نشده است. وی

به اتهام تلاش برای انفجار سفارت اسرائیل

۱۳ ایرانی در تایلند بازداشت شدند

دستگیر کرد. به گفته پلیس قصد انفجار در سفارت اسرائیل در میان بوده است.

جمهوری اسلامی نسبت به دستگیری ایرانیان مذکور واکنش نشان داد. به گفته رادیو تهران سفیر تایلند به وزارت خارجه احضار شد و مراتب اعتراض جمهوری اسلامی به وی ابلاغ گردید. دولت تایلند بعداً تکذیب کرد که جمهوری اسلامی در این مورد اعتراضی به آن کشور تسلیم کرده باشد.

واکنش شنایزده تهران، این گمان را تقویت کرد که در قصد انفجار در سفارت اسرائیل نیز دست رژیم اسلامی در کار بوده است.

۱۳ ایرانی به اتهام تلاش برای انفجار سفارت اسرائیل، در تایلند بازداشت شدند. دستگیر شدگان حسین شهربازی فرد، بابک طاهری و کاظمی نام دارند. برای یک ایرانی دیگر بنام لطف الله محمدی حکم بازداشت بین المللی صادر شده است.

به نوشته روزنامه های تایلند، پلیس این کشور در ماه مارس گذشته، کامیونی را در نزدیکی سفارت اسرائیل کشف کرد که در آن مقدار زیادی مواد منفجره جاسازی شده بود. پلیس، شهربازی فرد را به عنوان راننده این کامیون و عامل قتل یک تایلندی که جسدش بعداً در مخزن گازوئیل این کامیون پیدا شد،

همان اندازه و قبحانه است که ادعای آمادگی رژیم برای مناظره با مخالفان. محال است اینان امروز با مدعیان گرد یک میز بنشینند. مشکل در انتخاب موضوع بحث نیست. آمادگی رژیم ولایت فقیه به گفتگوی آشکار با مخالفان آغاز پایان این رژیم است.

ما مدعی هستیم که دموکراسی در ایران به نحوی خشن سرکوب می شود و کارنامه این حکومت در زمینه حقوق بشر تماماً سیاه است. و این نه ادعای فدائیان خلق که اعتقاد همه ی کسانی است که به دموکراسی و حقوق بشر معتقدند. آزاد یخواهان ایران همواره آماده اند که برای اثبات گفته خود با همین مسئولان حکومتی در برابر رسانه های همگانی به مناظره بنشینند. اما حقیقت آنست که دعوت آقای رفسنجانی دروغی است به درشتی همان درکی که ایشان از حقوق بشر دارند.

مشترک کار شوید!

پیام تسلیت به مناسبت

درگذشت دکتر مهدی آذر

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فقدان شخصیت برجسته ملی و علمی کشور، دکتر مهدی آذر عضو بنیانگذار جبهه ملی ایران را به خانواده ایشان و همه هواداران آرمان های ملی و دموکراتیک تسلیت می گوید. باشد که تلاش مشترک همه ی آزاد یخواهان و ایران دوستان به تحقق اهداف شریف آن فقید یاری رساند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جمعه ۲۰ خرداد ۱۳۷۳

مراسم یادبود دکتر مهدی آذر ...

ادامه از صفحه ۱

انقلاب مدتی مسئول انتشار نشریه پیام جبهه ملی بود و با آغاز سرکوب نیروهای سیاسی کشور از سوی حکومت اسلامی ناگزیر به مهاجرت شد. دکتر آذر چندی پیش در آمریکا فوت کرد. جسد وی به تهران انتقال یافت و روز چهارشنبه ۱۸ خرداد طی مراسمی به خاک سپرده شد. "کار" درگذشت دکتر مهدی آذر را به خانواده، بستگان و دوستان وی در جبهه ملی تسلیت می گوید.

از لغو مراسم توسط مسئولین مسجد، از چاپ اطلاعاتیه های مجلس ترحیم دکتر آذر در روزنامه اطلاعات ابراز "تأسف" کرده و این شخصیت مبارزو پزشک دانشمند را "عنصر معلوم الحال" معرفی کرده است.

دکتر مهدی آذر یکی از بنیانگذاران و رهبران جبهه ملی بود و مدتی نیز ریاست شورای مرکزی جبهه ملی را بر عهده داشت. پس از

سفر وزیر کشور به ترکیه

ترکیه را به عنوان یک سازمان تروریستی می شناسد. در چهارچوب دیدار بشارتی از ترکیه کمیسیون همکاری های امنیتی مشترک ایران و ترکیه در سطح کارشناسان به ریاست معاونان وزرای دو کشور آغاز به کار کرد. بشارتی در دیدار با خانم تانسو چیلدر به مسئله تأخیر در پرداخت خسارت ناشی از بیماراران مناطق مرزی ایران توسط هواپیماهای ترکیه اشاره کرد و نخست وزیر ترکیه در این باره به او قول مساعد داد.

چیلدر نخست وزیر ترکیه در پایان دیدار با بشارتی اعلام کرد که وی در مورد جلوگیری از فعالیت مخالفان رژیم جمهوری اسلامی به وزیر کشور و استانداران دستورات مؤکدی داده است.

در چهارچوب توافقی های انجام شده مقامات رژیم های دو کشور از سال ها پیش در راه های اخیر هاتن از پناهندگان سیاسی و مخالفان حکومت های ایران و ترکیه به طرف مقابل تحویل داده شده اند.

علی محمد بشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی هفته ی گذشته در رأس یک هیأت سیاسی، امنیتی و پارلمانی به ترکیه رفت. وی در این سفر با سلیمان دمیرل رئیس جمهور، تانسو چیلدر نخست وزیر، ناهد منتشه وزیر کشور و حکمت چنین وزیر خارجه ی ترکیه دیدار کرد.

بشارتی در مصاحبه با خبرنگاران ترکیه گفت: دشمنان ترکیه هیچ گونه پایگاه و جایگاهی در خاک ایران ندارند. تهران بشر مشکلات ترکیه واقف است و دشمنان آن کشور را به مثابه دشمنان خود تلقی می کند.

وی با اشاره به برگزاری اجلاس سه جانبه ی وزیران خارجه ایران، ترکیه و سوریه در ماه آینده اعلام کرد که پی گیری رویدادهای شمال عراق در این اجلاس از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. او در مورد تحولات شمال عراق گفت: ایران و ترکیه از تمامیت ارضی عراق حمایت می کنند و دو کشور در زمینه ی مبارزه با تروریسم همکاری نزدیک دارند و ایران حزب کارگران کرد

در حاشیه رویدادها

سینه زنی و نوحه خوانی، عکس مر دیدید که در حضور قاضی شرع و خبرنگاران عرب و عجم مثل شاخ شمشاد روی صندلی نشسته‌ام و شغول افشاگریم و شرح خیانت‌ها و جنایت‌هایی که مرتکب شده‌ام و دروغ‌هایی که درسی‌چهل سال اخیرم تحویل خلق الله داده‌ام و تماس‌هایی که با دبیر اول سفارت شوروی و پول‌هایی که بابت جاسوسی گرفته‌ام و از این قبیل حرف‌ها... از همین الان تعهد اخلاقی بسپارید که به جانم نیتفید که ای موجود ریاکار! ظاهراً صلاح، اینهمه لیره و ولا بابت جاسوسی می‌گرفتید و به اینهمه سختی می‌دادی

حال پس از ۹ سال از نوشتن سطور فوق که در اختناق جمهوری اسلامی، اما خارج از زندان نگاشته شده است، با گذشت ۲۴ ماه از دستگیری سعیدی سیرجانی و بی‌خبری همگان از او فلاحیان وزیر اطلاعات و تاریخ ۱۲ خرداد ماه چهاربرگ بازجویی را به عنوان دستنوشته‌ی اعتراض وی در اختیار روزنامه‌ها قرار داد تا آنها آنرا کلیشه کرده و منت آنرا چاپ کنند.

پاسخ وزیر به نمایندگان مجلس

به دنبال افزایش شدید نرخ مکالمات تلفنی، تعدادی از نمایندگان مجلس، غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن را مورد پرسش قرار دادند. سئوال کنندگان مدعی شدند که شرکت مخابرات برخلاف آنچه مجلس در مورد بودجه سال ۷۳ تصویب کرده قیمت هر پالس تلفن را از ۱۰ به ۱۲ ریال افزایش داده است.

غرضی در سخنرانی خود در مجلس، این ادعا را رد کرد و گفت: افزایش نرخ ها مطابق قانون بوده است. او گفت: هیچ اتفاق خلاف قانونی به هیچ وجه رخ نداده است و مصوبات و مقررات نظام حکومتی دست افراد نیست. غرضی ضمن رد کردن این ادعا که مسئولیت افزایش نرخ ها به عهده وزارتخانه اوست، گفت: من هیچکاره هستم و فقط فرمانبردار نظام و دولت و مجلس می باشم. نمایندگان سئوال کننده، توضیحات وزیر را قانع کننده ندانستند و سئوال مجدد به کمیسیون بازگشت.

ناراضانی نمایندگان مجلس از گران شدن خدمات دولتی تاکنون از حد یک ژست مردم دارانه جلوتر نرفته است و حتی یک وزیر نیز بدلیل دست داشتن در گرانی ها از کار برکنار و یا استیضاح نشده است. وزیر خود، این را به خوبی می داند و از تهدیدات و سئوال و جوابهای مجلس بیمی ندارد. غرضی در دفاع از عملکرد خود بر نکته ای انگشت گذارد که کاملاً واقعی است. مسئول گرانی ها در درجه نخست نه این یا آن وزیر و وزارتخانه، بلکه مجموعه نظام و دولت و مجلس می باشند.

تلاش متحجران در کاهش تحجر!

علی خامنه ای رهبر رژیم اسلامی در جریان سفر سه روزه خود به استان کهگیلویه و بویر احمد و دیدار با روحانیون این استان نسبت به ترویج برخی مسائل خرافی در جامعه اظهار ناخوشی و نگرانی کرد و گفت: قلمه زنی از کارهای خلاف، جهل و نادرست است. خامنه ای ارتباط قلمه زنی با دین و عزاداری مذهبی را نفی کرد و قلمه زنی را خلاف و بدعت خواند. خامنه ای همچنین گفت در شرایط حاکمیت اسلام در کشور اعمالی این چنین چهره رژیم اسلامی را در اذهان جهانیان خدشه دار می کنند. او روحانیون را به مقابله با خرافات به دین فراخواند.

رفسنجانی رئیس جمهور، احمد جنتی و سازمان تبلیغات اسلامی از سخنان خامنه ای پشتیبانی کردند. وزارت کشور نیز با انتشار اطلاعیه ای ضمن دعوت از مردم برای خودداری از هر گونه عمل خلاف شرع به ویژه قلمه زنی، دستور ممنوعیت قلمه زنی در دستجات سینه زنی و هیئت های عزاداری را به نیروهای انتظامی ابلاغ کرد.

این اولین باری نیست که سران

پاسداران جمهوری اسلامی در بوسنی

به نوشته ی روزنامه ی واشنگتن تایمز بر اساس گزارش های منتشر شده از طرف منابع اطلاعاتی آمریکا، بیش از ۴۰۰ تن از پاسداران جمهوری اسلامی از طریق کرواسی به بوسنی اعزام شده اند. بر اساس این گزارش ها، پاسداران اعزامی که اوایل ماه مه به منطقه وارد شده اند به همراه خود مقدار زیادی اسلحه و مواد منفجره هم وارد کرده اند. این پاسداران قصد دارند گروه های مسلمان بوسنی را همانند نیروهای حزب الله لبنان سازماندهی کنند. مطابق این گزارش ها این نیروها در عملیات علیه صرب ها و همچنین عملیات تروریستی در سایر مناطق اروپا بکار گرفته خواهند شد. به نوشته روزنامه ی واشنگتن تایمز فعالیت های پاسداران از طریق سفارت ایران در زاگرب پایتخت کرواسی هدایت می شود.

لازم به تذکر است که چندی پیش جمهوری اسلامی به سازمان ملل پیشنهاد کرد که در چهارچوب اعزام نیروهای سازمان ملل به بوسنی، نیروهای ایرانی نیز به این منطقه اعزام شوند ولی این پیشنهاد از طرف سازمان ملل پذیرفته نشد. علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی بعداً گفت علیرغم این مخالفت جمهوری اسلامی به وظایف سیاسی خود در بوسنی عمل خواهد کرد. این درحالیست که ولایتی در مصاحبه ای که با یک روزنامه ی مصری داشته است ضمن تأکید در حمایت ایران از مسلمانان بوسنی صدور هر گونه اسلحه ای به بوسنی را تکذیب کرده است.

امتیاز هفته نامه "حوادث" لغو شد

امتیاز انتشار نشریه هفتگی "حوادث" از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات لغو شد و از این پس از چاپ آن جلوگیری خواهد شد. حسین کامران نماینده ی قوه ی مقننه در هیأت نظارت در این رابطه گفت: انتشار داستان های مبتذل و بی محتوا و عکس ها و تصاویر خلاف عفت عمومی عوامل اصلی جلوگیری از انتشار این نشریه بود. وی افزود: بررسی های بعمل آمده طی ماه های

رویدادهای ورزشی

پانزدهمین دوره مسابقات جهانی فوتبال آغاز شد

تلوویزیون ایران مسابقات امسال جام جهانی را مستقیماً برای فوتبال دوستان پخش می کند



تیم ملی برزیل بسیاری از نگاه ها را متوجه خود ساخته است. آیا جام بعد از ۲۴ سال دوباره به این سرزمین فوتبال خیز خواهد رفت

گرفت، حاکی از آن بود که تیم های آلمان و برزیل شانهای بزرگ این دوره از بازیها هستند و پس از آنها تیم های ملی هلند، ایتالیا، و اسپانیا قرار دارند. با نتایجی که تاکنون به دست آمده اینک این سؤال مطرح است: آیا این جام، جام شگفتی ها نخواهد بود؟

نتایج بازیها تا زمان چاپ این شماره نشریه:

آلمان	۱	بولیوی صفر
آمریکا	۱	سوئیس ۱
رومانی	۳	کلمبیا ۱
ایتالیا صفر	۱	ایرلند ۱
اسپانیا	۲	کره جنوبی ۲
کامرون	۲	سوئد ۲
بلژیک	۱	مراکش صفر
نروژ	۱	مکزیک صفر

بازیهای قهرمانی فوتبال جهان با دیدار تیم های ملی فوتبال آلمان و بولیوی آغاز شد. این بازی که بعد از سخنرانی آقای هاول لایزر رئیس فدراسیون جهانی فوتبال و کلینکتون رئیس جمهوری آمریکا انجام گرفت با نتیجه یک بر صفر به نفع تیم ملی آلمان به پایان رسید. پیروزی ضعیف یک بر صفر در مقابل تیم نه چندان مطرح بولیوی، مسئله حضور تیم آلمان در مرحله پایانی این دوره از بازیها را در پرده ابهام قرارداد. شکست ایتالیا در مقابل ایرلند و پیروزی پر گل رومانی در برابر تیم صاحب نام کلمبیا، به این ابهامات افزود. آخرین نظر خواهی هایی که پیش از شروع بازیها در آمریکا انجام

والیبال نشسته ایران قهرمان جهان شد

تیم ملی والیبال نشسته ایران در مسابقات قهرمانی جهانی که در شهر بویتروپ آلمان برگزار شد، یک بار دیگر به مقام قهرمانی دست یافت. در این دوره از مسابقات مجموعاً ۱۰ تیم شرکت داشتند که در ۲ گروه به رقابت پرداختند. تیم ملی ایران با تیم های ملی اسلونی، فنلاند، مصر و هلند در یک گروه قرار داشت. تیم ملی ایران در دور مقدماتی از سد تیم های فنلاند (۳-۰)، اسلونی (۳-۰)، هلند (۳-۱)، گذشت و در فینال با نتیجه ۳ بر صفر تیم نروژ را مغلوب کرد.

سهمیه ورود به دانشگاه ها برای ورزشکاران

به منظور بالا بردن سطح کیفی ورزش دانشگاه ها تلاش می شود که کنکور از پیش پای ورزشکاران برداشته شود. منوچهر نظری دبیر فنی انجمن فوتبال دانشگاه ها در پی سخنان فوق تأکید کرد: اداره کل تربیت بدنی دانشگاه ها و مؤسسات عالی کشور تلاش هایی برای برداشتن این مانع از پیش پای ورزشکاران کرده است. افت عمومی در تمامی زمینه های ورزشی، مسئولان را به فکر چاره جویی انداخته است. از اینکه مانعی به نام کنکور از راه تعدادی جوان ورزشکار تشنه تحصیل برداشته می شود، نمی توان

قرعه کشی فوتبال جام برتر آسیا انجام شد

مراسم قرعه کشی بازیهای فوتبال قهرمانی آسیا که در مهرماه سال جاری در شهر هیروشیما ژاپن برگزار می شود، انجام شد. تیم ایران با تیم های ملی عمان بحرین - ازبکستان و یمن در گروه یک قرار دارد و برای دفاع از مقام قهرمانی خود به میدان می رود. بازیهای قهرمانی فوتبال جام آسیا از روز ۹ مهرماه آغاز می شود. این دوره از بازیها با حضور ۲۲ تیم در ۵ گروه برگزار می گردد و حریفان در هر گروه به صورت دوره ای به مصاف هم خواهند رفت.

حرف های کوتاه

اعتصاب در اصفهان

کارخانه ریسندگی و بافندگی زاینده رود اصفهان، به علت بدی زیاد و نبود مواد اولیه تعطیل شده است. کارگران این کارخانه در اعتراض به تعطیلی کارخانه هر روز در محوطه مقابل آن جمع شده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود می شوند. بنا بر یک خبر دیگر دهها کارگاه سنگبری در اصفهان و شهرهای اطراف آن به خاطر افزایش قیمت برق در اعتصاب بسر می برند. گفته می شود هزینه برق هر کارگاه تا ۱۰ برابر افزایش یافته است. بنا بر همین خبرها، رانندگان کامیون نیز به دلیل پائین بودن کرایه ها، دست به اعتصاب زده اند.

مکالمه تلفنی در داخل باز هم گران می شود

محمد غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن اعلام نمود که حق مکالمه ی تلفنی داخلی در صورت تصویب مجلس شورای اسلامی افزایش خواهد یافت. غرضی گفت: بر اساس لایحه ای که به مجلس ارائه شده است حق مکالمه ی تلفنی به نسبت کوچکی و بزرگی شهرها بین ۲ تا ۴ ریال در هر "پالس" افزایش خواهد یافت.

غرضی در رابطه با افزایش هزینه های پستی گفت که در این زمینه ۵ سال در سازمان برنامه و بودجه کار کارشناسی انجام شده بود و این افزایش قیمت همراه با قانون بودجه سال ۷۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

تاسیس رشته زبان و ادبیات آذری در دانشگاه تبریز

رئیس دانشگاه تبریز در گفتگویی با خبرنگاران داخلی اعلام کرد که ایجاد رشته ی زبان و ادبیات آذری در دانشکده ی ادبیات و زبان های خارجی (۱۹) دانشگاه تبریز در دست بررسی است. وی گفت کلیات واحدهای قابل ارائه در این رشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

امسال ۱۳۱ هزار نفر دانشجو می شوند

دکتر حسین رحیمی رئیس سازمان سنجش آموزش کشور اظهار داشت که ظرفیت نهایی پذیرش دانشجو در مرحله دوم آزمون سراسری سال ۷۳ دانشگاه ها و مؤسسات عالی کشور از میان یک میلیون و ۱۱۲ هزار و ۵۸۷ نفر شرکت کننده، حدود ۱۳۱ هزار نفر خواهد بود. از این تعداد حدود ۴۰ هزار نفر در گروه ریاضی - فنی و ۳۵ هزار نفر در گروه تجربی و ۵۹ هزار نفر در گروه علوم انسانی و بقیه در گروه هنر و زبان های خارجی به دانشگاه ها راه می یابند. امسال ۱۰ هزار نفر از ظرفیت پذیرش دانشجو کاهش یافته است که مربوط به کاهش سهمیه داوطلبان مراکز تربیت معلم می باشد.

اجرای طرح "یاران معروف" در مدارس

جنتی رئیس ستاد "امریه معروف و نهی از منکر" رژیم همزمان با اعلام برنامه های هفته ی امریه معروف و نهی از منکر و برشمردن فعالیت های ستاد "در سال گذشته، در گفتگو با خبرنگاران داخلی اعلام کرد که این ستاد با همکاری وزارت آموزش و پرورش، پس از بررسی طرح حجاب در مدارس، طرحی را بنام "یاران معروف" تدوین کرده است که احتمالاً از سال آینده در مدارس اجرا خواهد شد. با توجه به روابط نزدیکی که این ستاد با انجمن های اسلامی ارگان های سرگورگ حکومت دارد در صورت اجرای این طرح، قاعدتاً انجمن های اسلامی معلمان و دانش آموزان اختیارات بیشتری در امر و نهی کردن به دانش آموزان و کارکنان محیط های آموزشی و تشدید جوارعاب در مدارس خواهند داشت.

تلویزیون بین المللی راه اندازی می شود

لاریجانی سرپرست سازمان صدا و سیما ی جمهوری اسلامی اعلام کرد که این سازمان قصد دارد از سال آینده شبکه ای بین المللی به نام سروش راه اندازی کند. وی تنها مشکل را در جریان راه اندازی تلویزیون بین المللی تأمین اعتبار آن دانست و گفت به محض تأمین بودجه پخش برنامه های بین المللی آغاز خواهد شد. وی همچنین گفت که سیما ی صبح جمهوری اسلامی نیز در حال طراحی است و برنامه سازی آن مشکلی ندارد و در صورت تأمین اعتبار پخش برنامه های آن شروع خواهد شد.

گمرک بازرگان در آستانه تعطیل کامل

در نتیجه ی مقررات جدید ترخیص کالا که توسط شورای عالی اقتصاد اعلام شده است گمرک بازرگان به حالت تعطیل در آمده و تعداد زیادی از شرکت های حمل و نقل که در این منطقه سرمایه گذاری کرده بودند ورشکسته شده اند. بر اساس مقررات جدید، کالا ها مستقیماً از بندر ترکیه توسط کامیون های خارجی بازرگاری و به داخل کشور تا مقصد حمل می شوند. در نتیجه تعداد زیادی از کامیون داران منطقه بیکار شده اند. حذف گمرک بازرگان به عنوان پایانه ی ترخیص کالا، تردد مسافر نیز در این گمرک به حداقل رسیده است؛ به طوری که از ۲۵ واحد مهمان پذیر منطقه تنها یک واحد فعال می باشد.

تشکیل کمیته ملی بیابان زدایی

وزارت جهاد سازندگی ایران بر اساس توصیه کنفرانس جهانی توسعه و زمین که چند سال پیش در ریودوژانیرو و با شرکت سران کشورهای گوناگون تشکیل جلسه داد، پیشنهاد تشکیل کمیته ی ملی بیابان زدایی را ارائه داد. کنوانسیون بین المللی بیابان زدایی که مراحل پایانی تشکیل خود را طی می کند مقرر کرده است که کشورهای جهان برنامه های بلند مدت بیابان زدایی را تدوین و ظرفیت و نیازهای خود را برای اجرای این فعالیت ها مشخص کنند تا بر اساس آن نحوه ی همکاری های بین المللی و ارتباطات فنی و مالی در سطح جهان تعیین شود.

دولت جمهوری اسلامی ۴۵ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد

درباره بدهی خارجی جمهوری اسلامی تاکنون ارقام متفاوتی از سوی مسئولان و مقامات رژیم اسلامی بیان شده است که در برخی موارد تفاوت میان ارقام به دوو حتی سه برابر می‌رسد. آخرین اظهارنظر در این باره مربوط به هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور رژیم اسلامی است که میزان بدهی خارجی دولت را حدود ۴۵ میلیارد دلار اعلام کرد. درحالیکه، همین سه هفته پیش عادل‌رئیس بانک مرکزی گفته بود که میزان بدهی خارجی ایران تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۸ میلیارد دلار است.

بخش از بدهی‌های دولت است که زمان بازپرداخت آن سرآمده است و ۲۷ تا ۲۸ میلیارد دلار تعهد خارجی نیز قرض‌هایی است که مهلت بازپرداخت آن هنوز فرا نرسیده است ولی بهر حال دولت به‌هکارت است. به این ترتیب و با استناد به سخنان رفسنجانی، مجموع بدهی‌های خارجی دولت (سررسید شده و نشده) حدود ۴۵ میلیارد دلار است. خود رفسنجانی از جمله کسانی بود که تاکنون چنین میزان بدهی خارجی را انکار می‌کرد و آنرا رقم ناچیز که مشکل برای دولت ایجاد نمی‌کند، اعلام می‌کرد.

کمبود بودجه در مهمترین زمینه‌ها

شده. وی با اشاره به افزایش ناچیز بودجه وزارت مزبور نسبت به سال پیش تا کید کرد محلی برای تاسیس مراکز درمانی جدید و افزایش تخت‌های بیمارستانی وجود نخواهد داشت و تنها تکمیل پروژه‌های در دست اقدام مد نظر خواهد بود. مرنندی گفت خواست شرکت‌های داروسازی خارجی مبنی بر بازپرداخت بدهی‌های ایران به این شرکت‌ها در کنار درخواست پول پیش‌فروش داروها موجب کمبود داروهای حیاتی در بازار شده است. مهندس علاقمند قائم مقام وزیر آموزش و پرورش در امور اجرایی نظام جدید آموزش متوسطه در مصاحبه‌ای گفت بودجه این وزارت تنها کفاف پوشش ۶۰ درصد دانش‌آموزان فعلی دوره متوسطه را می‌دهد. وی تنها راه حل این معضل را تقویت بخش غیر دولتی در سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و پولی کردن تحصیل برای اقشار مرفه

همچنین دکتر مرنندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جمع خبرنگاران گفت کاهش اعتبارات این وزارتخانه از سوی مجلس منجر به بالا رفتن نرخ خدمات بهداشتی و درمانی و حذف بخشی از خدمات مربوطه خواهد

مسافران خارج

تنهایی توانند ۱۰۰ دلار ارز خارج کنند

بانک مرکزی جمهوری اسلامی هفته گذشته میزان ارز مجازی که هر مسافر خارج می‌تواند همراه داشته باشد را یک هزار دلار اعلام کرد. این میزان قبلاً ۳ هزار دلار بود. تا هنگام اعلام این تصمیم با آنکه هر مسافر رسماً مجاز بود ۳ هزار دلار ارز خارج کند، اما از چند هفته پیش ماموران گمرک به هیچ مسافریش اجازه نمی‌دادند بیش از هزار دلار ارز همراه خود داشته باشد. تصمیم اخیر بانک مرکزی اقدام دیگری است که در جهت کنترل بازار آزاد ارز و برای جلوگیری از سقوط بیشتر ارزش ریال اتخاذ شده است. هنوز تصمیم دولت درباره دیگر نیازهای ارز از جمله ارز دانشجویی و ارز برای مصارف درمانی و پزشکی که بر بازار تقاضای ارز تأثیر می‌گذارد، روشن نیست.

بانک جهانی ۱۵۷ میلیون دلار وام در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد

به نوشته روزنامه‌های تهران، بانک جهانی برای اجرای "طرح بهسازی و بهبود شبکه آبیاری، شامل زهکشی، تسطیح اراضی و احداث شبکه‌های مدرن در ۴ استان کشور" وامی بلند مدت به مبلغ ۱۵۷ میلیون دلار در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌دهد. این پول در طرح بهسازی پروژه‌های آبیاری در استانهای خوزستان، آذربایجان غربی، اردبیل و مازندران هزینه خواهد شد.

کارهای مطالعاتی این طرح که از دو سال پیش شروع شده، هم

تصمیمات جدید!

از تصمیمات جدید بانک مرکزی برای کاهش میزان تقاضا و تثبیت نرخ ارز چه خبر؟! هفته گذشته... گفتیم "تصمیمات جدید!" صبح دیروز... باباجان، گفتیم "تصمیمات جدید!" ظهر امروز... عجب آدمی هستی، چرا متوجه نیستی؟ عرض کردم تصمیمات جدید! دو ساعت پیش... نخیر، مثل این که متوجه منظورم نیستی! نیم ساعت قبل... دیگر داری کفرم را بالا می‌آوری! ده دقیقه پیش... کجای این مربوط به تصمیمات جدید است؟! صبر کن، یادم آمد. همین الساعه بانک مرکزی اعلام کرد در راستای تصمیمات جدید قبلی، تصمیمات جدید دیگری برای کنترل نرخ ارز اتخاذ کرده است که به موجب آن... حیف که این تصمیمات قدیمی شد. بگو ببینم از "تصمیمات جدید" بانک مرکزی چه خبر داری؟! "قطب الممالک" طنز و کاریکاتور از مجله گل آقا. شماره ۱۲

آب‌های ساحلی ایران

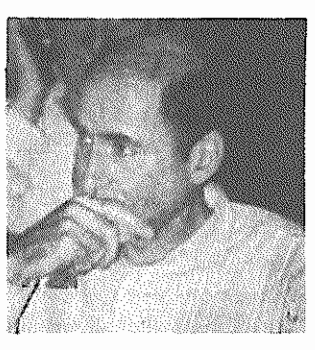
به شدت آلوده شده است

شکار بی‌رویه ماهی‌های استروژن در دریای خزر شده، امری که از یکسو تنزل فاحش قیمت خاویار در بازارهای جهانی و از دیگر سبب تشدید روند نابودی این گونه ماهی‌ها انجامیده است. به سبب هرج و مرج و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در جمهوریهای سابق شوروی، اتحادیه کشورهای ساحلی دریای خزر متأسفانه تاکنون عمل چندان در جلوگیری از تشدید آلودگی این دریا و رفع آلودگی‌های موجود به عمل نیاورده است. این اتحادیه که از کشورهای روسیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان تشکیل شده یکی از اهداف خود را پاسداری از محیط زیست و حفظ گونه‌های مختلف جانوران و گیاهان در دریای خزر اعلام کرده است. در همین حال روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از مدیر کل دفتر حفاظت از محیط زیست دریایی سازمان حفاظت محیط زیست ایران، خلیج فارس را آلوده‌ترین خلیج جهان اعلام کرده است. این خلیج روزانه گذرگاه ده‌ها کشتی نفتکش است که مجموعاً حدود ۵ میلیون بشکه آب آغشته به مواد نفتی خود را در آبهای آن تخلیه می‌کنند. به گفته مقام مذکور کمی عمق، کندی جابجایی آب، تبخیر زیاد و تولید بخش اعظم نفت دنیا در این منطقه، از عوامل تبدیل خلیج فارس به آلوده‌ترین حوزه آبی دنیا می‌باشند. گفتنی است که در جریان جنگ ایران و عراق و نیز جنگ آمریکا و عراق به میزان آلودگی خلیج فارس افزوده شد و نشست نفت از کشتی‌ها و چاه‌های نفتی مورد حمله واقع شده سلامت آبهای آن را بیش از پیش در معرض خطر قرارداد. کنشکشی‌های سیاسی میان کشورهای منطقه و عدم همکاری آنها نیز مانع از هر گونه اقدام جمعی در رفع آلودگی خلیج فارس بوده است.

میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم، به علاوه ۵ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی و یک میلیارد دلار خدمات و به اضافه ۳۰ میلیارد دلار بدهی که سالی ۵ میلیارد می‌شود یعنی ما بطور متوسط در ۵ سال گذشته بین ۲۳ تا ۲۵ میلیارد درآمد داشته‌ایم. حالا با این ۲۳ میلیارد وضعیت به آنجا رسیده است که مجبوریم برای تعویق بدهی‌ها با چند کشور قرارداد ببندیم.

وی سپس با اشاره به تغییرات جدید ایجاد شده در زمینه سیاست تعدیل از قبیل قیمت‌گذاری گفت: نگرانی من اینست که این تغییرات یک تغییرات تاکتیکی باشد نه استراتژیک. نبوی در مورد عملکرد برنامه‌ی اول پیرامون کنترل تورم گفت: طبق برنامه‌ی اول در سال ۷۲ قرار بود تورم ۸/۵ درصد باشد که عملاً ۳۰/۲ درصد شد. وی تأکید کرد در کشور ما راه سیاست پیشگیری تورم همان راهی است که ما اول انقلاب در ستاد بسیج کردیم یعنی باید همان سهمیه‌بندی و دفترچه و تعاونی‌ها ادامه پیدا کند تا وقتی که تولید ملی رفت آنوقت این خود باعث تعادل اقتصادی می‌شود.

در همین جلسه از بهزاد نبوی سؤال شد که آیا وقت آن نرسیده که موسوی نخست‌وزیر سابق بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری در صحنه‌ی سیاسی جامعه ظاهر شود و مردم را از گرانی و تورم رهایی بخشد؟ وی پاسخ داد که موسوی اعلام کرده است برای اینکار آمادگی ندارد.



خوردیم چون خزانه‌ی کشور مثل عربستان یا کویت بی‌نیاز نبود. این وضع که ۵ هزار دلار به هر نفر که از راه می‌رسد بدهیم قابل دوام نبود و معلوم بود که خزانه یک چنین واردات عظیمی را تحمل نمی‌کند. این بود که بعد از این مرحله وارد فاز بعدی شدیم یعنی رفتم توی خط برزیل و آرژانتین و سعی کردیم با افزایش قیمت‌ها تعادل بین عرضه و تقاضا را برقرار کنیم؛ به این معنی که قیمت‌ها را آنقدر افزایش دهیم که اکثریت مردم از منحنی تقاضا خارج شوند آنوقت تعادل برقرار می‌شود. وی حذف سوسپد ها یا تک نرخی کردن ارز را در همین راستا دانست.

بهزاد نبوی ضمن مقایسه بین درآمدهای ارزی کشور در سال‌های قبل و بعد از ۶۸ گفت: در سال ۶۵ ما ۵۷ میلیارد دلار درآمد نفتی داشتیم و با صادرات غیرنفتی حدود ۷ میلیارد دلار کشور درآمدازی داشت که از این مقدار ۳ میلیارد دلار مستقیم به جنگ داده می‌شد و ۲ میلیارد هم برای کالا‌های اساسی، حالا در برنامه‌ی اول بطور متوسط سالیانه ۱۵

بهزاد نبوی:

سیاست تعدیل در همه مراحل شکست خورده است

مردم نیز از محل پول نفت تأمین می‌شود. نبوی در توضیح گروه سوم گفت: در این گروه کشورهای عقب مانده صنعتی و کشورهای جهان سوم هستند که روش‌های سرمایه‌داری را در پیش گرفته‌اند نظیر کشورهای آمریکای لاتین، برزیل، آرژانتین و ترکیه و... در این کشورها تعادل بین عرضه و تقاضا از طریق افزایش تولید ملی بگونه‌ای که با قدرت خرید در نقطه‌ی پایین قیمت برابری کند ایجاد نشده بلکه تعادل بین عرضه و تقاضا در نقطه‌ی بالای قیمت‌ها ایجاد شده یعنی این کشورها آنقدر قیمت‌ها را بالا برده‌اند که تقاضا بسیار محدود شده و اکثریت مردم قدرت خرید ندارند. اگر در کشورهای دسته اول و دوم قیمت‌ها برای عموم مردم قابل قبول است در کشورهای گروه سوم منحنی عرضه در نقطه‌ی امتحنی تقاضا را قطع می‌کند که قیمت‌ها بسیار بالا است و این قیمت‌ها برای تعداد بسیار کمی از مردم قابل قبول است. روشی که در کشور ما طی برنامه‌ی اول اجرا شد روش سوم بود.

نبوی در بخش دیگری از سخنانش گفت: در ۵ سال گذشته ابتدا تصور می‌شد که ما می‌توانیم از طریق افزایش تولید عرضه را آنقدر بالا ببریم که ظرف ۶ ماه یا یکسال تعادلی ایجاد شود ولی بعد از مدت کوتاهی به این نتیجه رسیدند که از طریق تولید نمی‌توان به سرعت تعادل را برقرار کرد لذا سیاست دروازه‌های باز در پیش گرفته شد و انواع و اقسام کالاها به مقدار فراوان وارد کشور شد. اما در این مرحله نیز شکست

بهزاد نبوی وزیر اسبق صنایع سنگین در یک جلسه سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی سیاست تعدیل اقتصادی دولت و عوارض آنرا مورد نقد و بررسی قرار داد. وی سیاست تعدیل اقتصادی را چنین تعریف کرد: برداشت من این است که تعدیل اقتصادی مجموعه‌ی سیاست‌هایی بود که در جهت ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار کالا، خدمات، پول و کلیه بازارها مطرح شده است. اوسایست‌های اتخاذ شده برای تعادل عرضه و تقاضا در سطح جهان را به سه گروه تقسیم بندی کرد.

نبوی در توضیح گروه اول گفت: در این گروه که کشورهای توسعه یافته و پیشرفته هستند، تعادل بین عرضه و تقاضا را از طریق افزایش تولید ملی ایجاد کرده‌اند. وی گفت: در کشورهای پیشرفته تعادل عرضه و تقاضا یک تعادل پایدار است و در این تعادل قیمت‌ها متناسب با قدرت خرید اکثریت مردم است و مردم نیز از یک حداقل زندگی مرفه برخوردارند.

وزیر اسبق صنایع سنگین در مورد گروه دوم گفت: گروه دیگری از کشورهای جهان سوم و ثروتمند هستند که تعادل بین عرضه و تقاضا را نه از طریق افزایش تولید بلکه از طریق فروش ثروت ملی به مقدار زیاد ایجاد کرده‌اند مانند عربستان یا شیخ نشین‌های خلیج فارس یا حتی ایران قبل از انقلاب. در این کشورها تعادل عرضه و تقاضا از طریق افزایش واردات (نه افزایش تولید ملی) ایجاد می‌شود و توان خرید

در حاشیه میزگرد "کیهان هوایی" درباره فروغ فرخزاد

معیارهای سنجش قد کوتاهان



"تسلیمه نسرين"
هم مخفی شد

از خانواده های هندی راد قالب
رمانی ریخت که موجب خشم
حزب الهی های بنگلادش شد. آنها
سنگساروی را خواستار شدند و در
صد هجوم به خانه اش برآمدند،
اما با مقابله پلیس نا کام ماندند.
لیکن نسرين از آن پس مجبور شد
تحت مراقبت پلیس به زندگی ادامه
دهد.

چندی پیش نسرين در
مصاحبه ای با یکی از نشریات هند
خواستار باز نویسی قرآن مطابق با
روح و ضرورت های زمانه شد. دولت
بنگلادش برای آنکه از سوی
حزب الهی ها به تسامح و غیر اسلامی
بودن محکوم نشود فوراً حکم جلب
نسرين را صادر کرد. نسرين با
احساس این خطر که اگر دادگاه هم
دست از سرش بردارد، حزب الهی ها
راحتش نخواهند گذاشت، بسان
رشدی زندگی در خفا را برگزید. اما
موج اعتراضی که از سوی انجمن ها و
محافل زنان و گروه های مختلف
اجتماعی بنگلادش بر علیه حکم
دادگاه برخاسته، حکایت از آن دارد
که میدان هنوز به دست حزب الهی ها
نیفتاده و احترام به حرمت
اندیشه های انسان هنوز در برابر جهل
و اوسگرایی به زانو در نیامده است.

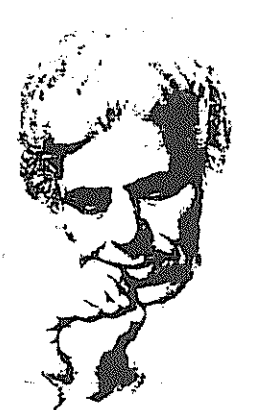
بهترین های ادبیات در خارج از کشور

دست و سبب و در عرصه نقد بهروز
شیدا با نقدهایی چون "در تمنای
زمان اسطوره ای و معصومیت و
پرتو نواری اعلای خاطر" شعور شک در
برابر حماقت یقین "عنوانهای نخست
را از آن خود کردند.

گفتنی است که در عرصه داستان
۱۵ نفر، شعر ۱۲ نفر و نقد ادبی ۱۴ نفر
نامزد دریافت جایزه نشر باران
بودند.

نشر باران در پایان بیانیه ای که
بمناسبت این گزینش انتشار داده،
می نویسد: "به خوبی می دانیم که
جایزه ده هزار کرونه ما تنها ارزشی
نمادین دارد و بنا بر این ضمن تبریک
به برندگان، امیدواریم که برگ سبز
ما قدر دانی کوچکی از همه کسانی
باشد که جان خویش را در راه تعالی
ادبیات در تبعید فرسوده می کنند."

تعلیق بر نامه های شاملو



سخنرانی دعوت شده است. امید که
وی هر چه سریعتر بهیود خود را
باز یابد و بتواند پاسخگوی انبوه
مشاقان شعر ها و سخنانش باشد.

نشر باران در سوئد که یکی از
فعالترین انتشاراتی های ایرانی
خارج از کشور به شمار می رود امسال
نیز برای دومین بار به گزینش بهترین
آثار در قلمرو داستان، شعر و نقد
ادبی پرداخت و به برگزیدگان این
رشته ها جایزه ای به مبلغ ده هزار
کرون اهدا کرد.

داوران این گزینش را ۹ نفر از
چهره های شعر و ادبیات در خارج از
کشور تشکیل می دادند که از طریق
ارتباط مکاتباتی آرا خود را ارائه
کردند. بر اساس آرا نهایی این
داوران در گستره داستان شکوه
میرزادگی یا داستان بلند "بیگانه ای
در من" و اکبر سردو زامی یا کتاب "من
هم بودم" بعنوان برترین ها شناخته
شدند. در قلمرو شعر عباس صفاری
بخاطر مجموعه شعر "در ملتقای

احمد شاملو شاعر و پژوهشگر
نامدار ایران که در سوئد بسر می برد
به خاطر بیماری و بستری شدن امکان
شرکت در سخنرانی هایی که در
استکهلم و گوتنبرگ برایش ترتیب
داده شده بود را نیافت و بدینسان
خیل ایرانیانی که برای شنیدن
حرفهای او روز شماری می کردند
ناچارند تا بهیود دوباره او منتظر
بمانند. شاملو که آذر ماه امسال پایه
هفتاد سالگی می گذارد، خوشبختانه
از بیماری خطیری رنج نمی برد و به
گفته پزشکان معالجتش با یک
استراحت موقت حالش بهبود خواهد
یافت.

خبرها حاکی از آن است که
شاملو از سوی بسیاری از انجمن ها و
نهادهای فرهنگی ایرانیان در آمریکا و
اروپا برای شعر خوانی و ایراد

نشده بودم. زبان و شکل خودم را و
دنایای فکری خودم را پیدا نکرده
بودم. توی محیط کوچک و تنگی بودم
که اسمش را می گذارم زندگی
خانوادگی. بعد یکمرتبه از تمام آن
حرفها خالی شدم. محیط خودم را
عوض کردم، یعنی جبرا و طبیعتا
عوض شد. (کتابهای) "دیوار و
عصیان" در واقع دست و پا زدن
مایوسانه در میان دو مرحله
زندگیست. آخرین نفس زدن های
پیش از یکتنوع رهایی است. آدم به
مرحله تفکر می رسد، در جوانی
احساسات ریشه های سستی دارند،
فقط جذبه شان بیشتر است. اگر بعدا
بوسیله فکر رهبری نشوند، و یا نتیجه
تفکر نباشند، خشک می شوند و تمام
می شوند. من به دنایای اطرافم، به
اشیا اطرافم و آدم های اطرافم و

شعر معاصر / محمد مختاری / ص
۵۶۳) فروغ در این تحول درونی به
وحدت هستی می رسد و جانانش از
عشق به طبیعت و انسان و زندگی
سرشار می شود: "به آفتاب سلامی
دوباره خواهم کرد / به جویبار که در
من جاری بود / به ابرها که فکرهای
طویلیم بودند. /... و به زمین که
شبهوت تکرار من، درون ملتیش را /
از تخمه های سبز می انباشت -
سلامی، دوباره خواهم داد. /...
و من در آستانه به آنها که دوست
می دارند / و دختری که هنوز آنجا، /
در آستانه پر عشق ایستاده، سلامی
دوباره خواهم داد." (گزیده اشعار
فروغ / انتشارات مروارید / ص
۲۲۱)

صد البته درک و برداشت
وحدت گرایانه فروغ ربطی به



توهمات و برداشت های من
در آوردی مدعین کیهان هوایی
ندارد. نماینده کیهان هوایی در
بحث، می گوید: "... فروغ در
جایی گفته است که "ابدیت به نظرم
عبارت از تداوم انسان است در گل و
حیوان" و این که از نظر جسم انسان
ابدی نیست و اما این گفتار تا تمام
می ماند و تا تمام ماندن به این دلیل
است که نمی تواند از نظر فلسفی قضیه
ابدیت را برای خود حل کند و یکی
دیگر از حاضرین (داکاتی) چنین
اظهار نظر می کند: "من نمی خواهم
بگویم تفکر فاروغ همان تفکر
عرفاست، اما بر این نظرم که این
تفکر نه تنها مادی و ماتریالیستی
نیست، بلکه کاملاً حال و هوای دینی
و مابعد الطبیعی دارد." بحث گل
می اندازد و حاضرین با سفسطه و
مغلطه بسیاری کوشند تا فروغ را زنی
سنتی و سخت مذهبی جلوه دهند تا
جایی که یکی از آنها (ترابی)
می گوید: "لازم به تذکر است ایمان
به رستاخیز و ابدیت، عنصر اصلی
شعر فروغ است."

فروغ در جایی از شعر "تولد
دیگر" برپایه باور به پویایی و زبایی
هستی و زندگی می سراید: "دستهایم
را در باغچه می کارم / سبز خواهم
شد، می دانم، می دانم، می دانم / و
پرستوها در گردی انگشتان جوهریم /
تخم خواهند گذاشت. / ترابی با
اشاره به این شعر نظر مشعشعانه ای
ارائه می کند که در قوطی هیچ عطاری
یافت نمی شود: "دستهایم را در
باغچه می کارم سبز خواهد شد"
تناسخ نیست، این سبزی معاد است
و به رستاخیز اشاره می کند. "اما
قضیه به همین جا ختم نمی شود،
آقایان در اثبات دعوی بی اساس
خویش به سراغ شعر "کسی که مثل

خطوط اصلی این دنیا نگاه کردم،
آنها کشف کردم، وقتی خواستم
بگویمش، دیدم کلمه لازم دارم.
کلمه های تازه که مربوط به همان
دنیا می شود." (حرفهای با فروغ
فرخزاد / چاپ دوم (پاریس) / ص
۲۷ و ۲۸) چنانچه ملاحظه می شود در
قضاوت فروغ نسبت به آثار اولیه اش
برخلاف تصویری پاره نقدان کیهان
هوایی نه حرفی از "قعر جهنم و
منجلا ب" در میان است و نه نشانه ای
از توبه و ندامت. فروغ آن آثار را
"صمیمانه" و حاصل جنبه خود
انگیختگی و حس ذهن خود خوانده و
عیششان را نه طرح مساعل عاشقانه و
جنسی، بلکه غیبت اندیشه ای
منسجم و زیبایی پخته و متناسب
می داند. فروغ در سراسر حیات
هنری اش به دنبال ایجاد رابطه و
غنی تر کردن زندگی بوسیله این
"رابطه" هاست. اما وی در کارهای
اولیه اش درکی محدود و معطوف به
خود از "رابطه" ارائه می کند و لذا
"رابطه" در ایجاد جمعی و انسانی آن در
کلامش نمود و تبارز چندانی
نمی یابد. بی سبب نیست که در آثار
اولیه اش عشق جنبه ای شدیداً فردی
و غیر عام دارد و گهگاه نیز از "تنهایی
ابدی" سخن به میان آمده است. اما
فروغ در روند آفرینش هنری "خود را
به شعر می سپارد، تا هر جا که
می خواهد او را ببرد. شعر نیز به طور
طبیعی و بدیهی، او را به احساس و
ادراک آدمی، و رابطه یابی ناگزیر او
می رساند. پس این گرایش است که
هر چه بیشتر می رود، بالوده تر
می شود، واسطه ها را او می نهد.
بازدارنده ها را پس می زند. روابط
کهنه را درهم می کوبد. به ذات آزاد
آدمی و شعرویی می کند، تا رهایی
انسان و رابطه هایش در شعر او
مسئله ای محوری شود." (انسان در

هیچکس نیست تیزی روند.
یکی از آنها می گوید: "فروغ
تحقیق اخراج زمان را حس کرده
است... او در این شعرا کسی سخن
می گوید که صورتی روشنتر از صورت
ایمان زمان دارد. کسی که چراغ
مسجد را روشن می کند، که نورش
زمانی مثل صبح سحر سبز بود،
نمادهایی مثل امام زمان، مسجد و
امثال آن به وضوح نزدیکی روحی
فروغ را با جریان اصیل مذهبی بر
آفتاب می افکند... رنگ سبز اصلاً
نمادی از لباس سبز محمد و آل
محمد (ص) است." و دیگری
فرمایش (ص) است: "آخرین حرفم این
است که این کسی که می آید آیا آن
موعود مورد نظر ماست. موعودی که
فروغ منتظر است موعود دینی است و
چهره مذهبی است."

ظاهراً مخدوش کردن چهره
فروغ و ارائه سیمایی متحجر و غیر
واقعی از او چنان حضرات را به خود
مشغول داشته که از ذکر هر گونه
ابطالیابی بی ندارند. ولی فروغ با
شعر و حرفهای خویش باطل السحر
همه این تقلا ها و غلطگویی هاست.
او از همان هنگام که انسان و
سرنوشت وی در شعرش عمده گی
می یابد، نگاه گاه امیدبخش و گاه
نگران پیوسته متوجه اوست و نیک و
بد زندگی این انسان را به رفتار و
کردار خود وی ربط می دهد.
هموست که معنویت جز حرمت و
هستی انسان نمی شناسد و کم رنگ
شدن انسان و رهایی وی در شعر کهن
را اینگونه به نقد می گیرد: "ببینید
موضوع شعر ایمان چقدر محدود
هستند. یا صحبت از معنویت است
که آنقدر "بالا" است که دیگر
نمی تواند انسانی باشد و یا پند و اندرز
و مریه و تعریف و هزل. (حرفهای با
فروغ ص ۵۸)

فروغ در شکستن همین
محدودیت ها و حصارها و در مقابله
با مرگ و زوال است که به فراخ
اندیشی و عشقی توأم از شور و شعور
می رسد. به کم رنگی ارزشها و
رابطه ها و پایداری شدن حرمت
انسانی می تازد و در جستجوی
پادزهری برای این کاستی ها
درمی یابد که "باید، باید / دیوانه وار
دوست بدارد. / نگاه غنی و چند سویه
فروغ به زندگی و بیان صریح، ساده و
بی غل و غش وی برای کهنه پرستان
هم نسلش درک ناشدنی و غریب
می نمود، زیرا به قول سپهری فروغ
"از اهالی امروز بود / و با تمام
افق های باز نسبت داشت / اولن آب
وزمین را چه خوب می فهمید. / هم از
اینر و به تکفیر و تحریفش پرداختند و
بازخم زبانهای آغشته به زهر تحجرو
اخلاقیات کپک زده نام و خلافت
وی را نشانه رفتند.

فروغ در همان دوران حیاتش
در پاسخ به "نقدان" کهنه پرست و
منادیان آموزش ها و ارزش های
قرون وسطی چنین سرود: "در
سرزمین قد کوتاهان / معیارهای
سنجش / همیشه در مدار صفر سفر
کرده اند / چرا توقف کنم؟ / من از
عناصر چهارگانه اطاعت می کنم / و
کار تدوین نظامنامه قلبم / کار
حکومت محلی کوران نیست. / این
واژه های فروغ مرز زمان را در
نور دیده و اینک نیز پاسخ کوبنده ای
است که تثار کوران معاصر
می شود، کورانی که جز به مرگ
نمی اندیشند، با اعمال خویش و از
قلم و زبان کارگزاران "فرهنگی اشان"
جز گرد مرگ و سکون بر جامعه
نمی یابند و به عبث سودای کژدیه
کردن چهره های تابناک ادب و
فرهنگ میهن ما را در سرمی پرورند.

به یاد حمید و یاران

اگر آنها میماندند...



سازمان را بر عهده گرفت. در بهار سال ۴۲، حمید ۱۷ ساله بود که به گروه جزئی پیوست. دو سال قبل تر از آن وقتی محصل سال سوم دبیرستان بود با بنیانگذاران گروه آشنا شد. او فرزند یک خانواده نسبتاً مرفه بود، پدرش سالها رئیس ایستگاه راه آهن تبریز بود. خانواده ای با فرهنگ و دانش دوست داشت. حمید سالهای دبیرستان را با موفقیتی تحسین انگیز تمام کرد و به دانشکده فنی راه یافت. او هوشی سرشار، دقیقی شگرف و عزمی استثنایی داشت. قهرمان بوکس نوجوانان بود. قهرمان شتای دانشگاهها شد. کوهنوردی استثنایی بود. وقتی تصمیم به رقابت می گرفت با اطمینان بسیار عمل می کرد. اعتماد به نفسی که حمید داشت زبانزد همگان بود، چه در دبیرستان، چه در دانشگاه و چه در سازمان. ویژگی برجسته حمید آن بود که خود را خیلی خوب می شناخت و توان ابراز داشت که دیگران را نیز خیلی خوب بشناسد. او هرگز مسئولیتی نپذیرفت که توان انجامش را در خود نبیند. وقتی پس از ضربات سال ۵۰ او و گروهی از یاران بی تجربه تنها ماندند، گفته بود تا زمانی که رهبری در زندان است ما می توانیم و باید تمام بار مسئولیت حفظ سازمان را بر دوش بگیریم، اما نمی توانیم و نباید تمام بار مسئولیت رهبری سازمان را بر دوش بگیریم. چنین باری بردوش ما غیر واقعی است.

وجود حمید در سازمان برای همه ی اعضا - که تعدادشان در آن زمان هیچگاه به صد نرسید - همیشه معادل احساس امنیت بود. او تنها کسی بود که پس از شهادت نخستین رهبران سازمان در سال ۵۰، رژیم برای سرش جایزه تعیین کرد و عکسش را به دیوارها چسبانده بود. زنده ماندن او پاسخی شد به این سؤال که آری می توان به سازمان

جنبش فدائیان خلق ایران حاصل عزم و ایثار هزاران جوان پاک پرشوری است که در سال های دهه ۴۰ عزم تحقق آرزوهای بزرگ را در سر داشتند. صدها تن جان خویش را بذرقه این جنبش کردند و هزاران انسان سالهای عمر خویش را چه در زندانها و چه در حوزه ها و چه در خانه و کارخانه و مدرسه و دیگر جاها سپری کردند.

اما در میان این هزاره ها دانه های مروارید ما، درشت دانه هایی هستند که در حفظ این جنبش و تعالی آن تکیه گاه یاران شدند. دانه هایی که اگر درخشش شگرف آن ها نبود بی گمان تلاش آن هزاران یار پاک باخته ی مادر لا بلای سنگلاخ های دهشتناک دشمن کام، همراه باراز بقای این جنبش دفن می شد و درواز دسترس می ماند.

روز ۸ تیر روز زنده داشت یاد همه آن یاران رفته است که با نثار جان، بقای این جنبش را رقم زدند. ۸ تیر روز شهادت زنده یاد حمید اشرف و ۹ تن دیگر است. این روز میعادگاه دهها هزار یار و هوادار این جنبش است که با یاران رفته خویش، با همه آن آرزوهای نیکویی که آنان در در داشتند و بر سرش جان باختند پیمان بندند.

باز هم در مورد دعوت به میهن

بنا به گفته ی کمال خرازی نماینده ی دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل هم اکنون نزدیک به یک میلیون نفر ایرانی فقط در آمریکا مقیم هستند که از نظر تحصیلات و امکانات در سطح بالایی قرار دارند و بسیاری از آنها با انگیزه و علاقه ی فراوان خواستار بازگشت به میهن و انجام خدمات مقطعی و یا بلند مدت در کشور هستند.

وی اضافه کرد که هیأت نمایندگی ایران سعی کرده است در سال های اخیر امکانات ایرانیان را شناسایی کرده و بر اساس نیازهای موجود از این قشر عظیم در جهت بازسازی کشور استفاده کند. عبد خدایی رئیس کمیسیون آموزش عالی مجلس جمهوری اسلامی نیز در این رابطه ایرانیان مقیم خارج را به سه گروه تقسیم کرد. وی گروه اول را متخصصان نامید و گفت که مقدشان گرامی است. گروه دوم از نظری و سرمایه داران و مدیران می باشد که آواز آنها به عنوان گروهی

که نمی خواهند فرزندانشان با فرهنگ غربی رشد کنند یاد کرده به آنها هم خوش آمد گفت. گروه سوم به عقیده او به نظام ولایت فقیه معتز هستند. آواز آنها هم به اکراه دعوت کرد و گفت که آنها هم می توانند به ایران برگردند.

سؤال اینجاست آیا دست اندر کاران ولایت فقیه بعد از سال ها کشورداری بالاخره دریافته اند که برای بازسازی کشور به نیروهای متخصص نیاز هست؟ اگر چه وضع موجود کشور از همه نظر ايجاب می کند که آنها را در ترازیه این کشف نایل شده باشند. آیا هواداران ولایت فقیه واقعاً در این دعوت های مکرر خود یک جو صداقت هم دارند؟ ایرانیان مهاجر حق دارند نگران باشند و بپرسند اگر صداقتی هست چرا با کردارشان حتماً در همین خارج از کشور همخوانی ندارد. چرا برای گرفتن پاسپورت و یا تمدید آن آنها باید مجبور باشند به سئوالاتی از قبیل: در چه حزبی فعالیت می کنید و یا کرده اید و یا علت خروج، معرفی

افراد ی که متقاضی را خوب می شناسند... پاسخ گویند و بعد پای آن ورقه را هم امضاء کنند. آیا گرفتن پاسپورت احتیاج به تفتیش عقیده دارد؟

اگر جمهوری اسلامی به فکر بازسازی واقعی جامعه بود و هست بهتر آن بود علت های مهاجرت را دوباره بررسی می کرد و تنها از در ماندگی خودش حرکت نمی کرد. ایرانیان خارج از کشور وقتی بیندند در ایران احزاب آزادند و انتخابات و شرکت در سرنوشت مملکت آزاد است، زندانی سیاسی وجود ندارد، به میهن خود بر خواهند گشت. اگر جمهوری اسلامی هزار بار هم به انواع دعوت ها دست بزند و از زبان مقامات ریزودرشت ندامت نامه ها بنویسد تا شرایط بالا در جامعه برقرار نگردد، شانس ی برای بازسازی واقعی و نه لفاظانه وجود ندارد و ایرانیان مقیم خارج با توجه به کارنامه ی ضد دموکراتیک ولایت فقیه دعوتش را جدی نخواهند گرفت.

پسوست وزنده ماند. در سالهایی که او مسئول حفظ سازمان بود، سازمان نه تنها باقی ماند، بلکه علیرغم سنگین ترین ضربات رشدی شگرف داشت. پدرش نظرات جزئی، که حمید سخت مدافع آن بود - و تلاش قهرمانانه ی او، جنبش فدائی را به میان توده ی جوانان برد. "نبرد خلق" ارگان سازمان انتشار یافت. جزوات سازمان، در هزاران نسخه دست بدست می گشت. سازمان هزاران فدائی یافت. در تمام شهرها، در سراسر کشور.

بهار سال ۱۹۷۵ بود. نیکسون استعفا داده بود و جنگ ویتنام دولت آمریکا را به زانو افکنده بود. در هیچ دوره ای در سالهای پس از جنگ، آمریکا اینقدر ضعیف و همپیمانان او نبودند. شورش و انقلاب دهها کشور را بر لرزه آورده بود.

رژیم شاه تصمیم گرفت با تمام نیرو همه مخالفان و ناراضیان را چنان بکوبد که هیچ "خطری" برای رژیم باقی نماند. میزان شکنجه و اعدام و ترور به نحوی وحشتناک افزایش یافت. طی سالهای ۵۴ و ۵۵ پیش از سه برابر تمام سالهای قبل کشتار کردند و صد ها نفر را هم اسیر کردند. اما ضربه هولناک و فلج کننده روز ۸ تیر ۵۵ به سازمان وارد شد. از این روز

به بعد دیگر کسی نبود که تشکیلات را مثل قبل جمع کند. بازماندگان انگشت شمار و بکلی بی تجربه بودند. فقدان حمید و گروه کادرهای برجسته ای که روز ۸ تیر ۵۵ قتل عام شدند، باعث شد که سازمان نه تنها دیگر به رشد خود ادامه ندهد، بلکه رکود، یاس و بیم پر خانه های تیمی سایه افکن شد. فقدان حمید و یاران باعث شد در سال هایی که خیزش مردم رویه رشد بود میدان برای هواداران خمینی خالی بماند. از ۳۰ فروردین ۵۴ تا ۸ تیر ۵۵، از ترور رفیق بیژن و همزمان تا کشتار رفیق حمید و همزمان، همه ی تلاش رژیم متوجه از پای انداختن فدائیان و در عمل تلاشی بود در راستای هموارتر کردن راه هم اینان که اینک بر کشور حاکمند.

یک آن تصور کنید که همه آنان - از بیژن تا حمید که به تیغ ساواک شاه درو شدند می ماندند و فدائیان در سالهای سرنوشت از وجودشان بهره می گرفتند. یک آن تصور کنید که با فدائیان خلق به همان سیاستی عمل می شد که با مرتجعین عمل شد. آیا راست این نیست که در آن صورت جنبش دموکراتیک در کشور ما توانی بسیاری از این می یافت؟ پاسخ به این سؤال محک و معیار آن ارزشی است که فدائیان خلق برای این شهدا و همه یاران رفته خویش قائلند.

بمناسبت ۸ تیر، روز شهادت فدائیان
اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

یاد فدائیان جان باخته، مبارزین راه آزادی و بهروزی ایران گرامی باد!

۸ تیر، سالروز شهیدان جنبش فدائیان خلق است، یاد آور روزی که گروهی از یاران ما و آغازگران جنبش فدائیان، در مقاومتی حماسی در برابر انبوه ماموران مسلح استبداد، جان خود را از دست دادند. رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشک بیجاری، محمد رضا یثربی، محمد حسین حق نواز، علی اکبر وزیری، طاهره خرم، غلام رضا لایق مهربان، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پوریاران جان باخته ما در روزخونین ۸ تیر ۱۳۵۵ بودند.

این رفقا اما، نه نخستین شهیدای سازمان ما و نه آخرین آنها بودند. پیش از آنها دهها تن از فعالین، رهبران و بنیانگذاران سازمان پس از ۸ تیر ۱۳۵۵ نیز، صدها تن دیگر از فدائیان در مبارزه در راه آزادی و عدالت سروجان خویش فدا کردند. ۸ تیر روز بزرگداشت خاطره همه این جان باختگان و تجلیل از مبارزه سخت و دشوار آنهاست، روز گرامیداشت یاران و رفیقانی است که جز دفاع از حقوق و حرمت انسان و آزادی و آبادی میهن، سودایی دیگر در سر نداشتند و سرانجام نیز جان خویش را بر سر همین آرمانها گذاشتند. ۸ تیر تبلور مبارزه بی دریغ و همیشگی فدائیان خلق در راه آرمانهای نیک انسانی است.

همه ما که امروز هوای همین آرزوها را در سر داریم، در این سالروز خونین با خویش پیمان می بندیم که رهرو پاکباز همان آرمانها و شور و عشقی باشیم که آن جانباختگان در سر داشتند.

یاد تمامی این جان های شیفته را گرامی می داریم و به احترامشان سر تعظیم فرود می آوریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۸ خرداد ۱۳۷۳

به هم برزنم دام این گرگ پیر

همان مرحله است این بیابان دور
که گم شد در ولشگر سلم و تور
همان مرحله است این جهان خراب
که دید است ایوان افراسیاب
نه تنها شد ایوان کاخش بیاد
که کس دخمه اش را ندارد بیاد
مغنی کجائی بگلپانگ رود
بیاد آور آن خسروانی سرود
به مستان نوید سرودی فرست
به یاران رفته درودی فرست
مغنی بزن خسروانی سرود
بگو یا حریفان به آواز رود
که از آسمان مژده ی فرصتست
و ابر عذو عاقبت نصر تست
بیا ساقی آن جام صافی صفت
که بر دل گشاید در معرفت
بده تاروم پر فلک شیر گیر
بهم برزنم دام این گرگ پیر
حافظ (ساقی نامه)

کاندید "جناح اقلیت" نایب رئیس دوم مجلس شد

● شعله سعدی: قصد داریم فراکسیون مستقل در مجلس تشکیل دهیم

ژوئن) درج شد گفت ما در صدد تشکیل فراکسیون مستقل ها در مجلس چهارم هستیم. وی جناح مستقل مجلس را متشکل از آن نمایندگان خواند که به هر حال به یکی از دو جناح راست و چپ تعلق دارند، ولی دارای اندیشه ای مستقل هستند! شعله سعدی در پاسخ به سؤال خبرنگار سلام که آیا جناح اکثریت قصد حذف جناح وابسته به رئیس جمهور را دارد، گفت: یک بخشی از جناح راست علاقمند به رقابت جدی با رئیس جمهورند. به این دلیل من فکر می کنم کار آقای رفسنجانی با مجلس چهارم ساده تر از مجلس سوم نیست و مقداری کار حساس است. وی عقب نشینی رفسنجانی در مورد نوری، دکتر خاتمی، و دکتر نوری بخش از وزرای سابق کشور، ارشاد و اقتصاد را شاهد این ادعای خود دانست. او افزود می توان این طور تصور کرد که یک جریان خزننده اعلان نشده ای در صدد تضعیف و رقابت با رئیس

روز سه شنبه ۱۰ خرداد (۱۷ ژوئن) هیئت رئیسه جدید مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. احراز مقام نایب رئیس دوم مجلس از سوی هاشمیان کاندید "جناح اقلیت" در این انتخابات غیر منتظره بود. گرچه از طرف تندروها چندین تن از جمله برای منشی گری و کارپردازی کاندید شده بودند، تنها هاشمیان توانست رای بیاورد. هاشمیان در رقابت با پرورش موفق به کسب مقام نیابت رئیس شد. روزنامه سلام به نقل از یکی از عناصر فعال جناح اقلیت نوشت: این جناح هیچ تبلیغاتی در مورد منشی ها نکرده است و تنها هدف آن انتخاب هاشمیان بوده است. یکی دیگر از نمایندگان جناح تندرو به خبرنگار سلام گفت انتخاب هاشمی می تواند به شکل از سوزی دیگر شعله سعدی

نمایند. جنجالی شیراز در مصاحبه ای با روزنامه سلام که در شماره روز پنجشنبه ۱۲ خرداد (۲

شاخص‌های اساسی توسعه

قسمت اول

دکتر حسین عظیمی - ایران فردا، شماره ۴

یک تضاد پیدامی‌شود. ازدید شخصی و فردی، افراد به دنبال این هستند که مصرف رای به شدت بالا ببرند؛ اما جامعه نیازش این است که مصرف را محدود کند و از افزایش آن جلوگیری نماید تا فرایند توسعه کند نشود. برای این کار، باید راه و مکانیسم عمل پیدا کرد تا جلوی رشد مصرف افراد گرفته، و تولید اضافی تبدیل به مازاد گردد و به سوی سرمایه‌گذاری سوق داده شود. این موضوع، واقعا یکی از گیرهای توسعه است. مثلا در کتاب برنامه که توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه شده از نظر تصویرسازی درست کار شده ولی در هیچ کجای آن اشاره‌ای به چگونگی رسیدن به اهداف ذکر نشده است؛ چرا که اصل قضیه این است که چطور این کار انجام شود و نه اینکه ما دوست داریم که کار خوب انجام شود.

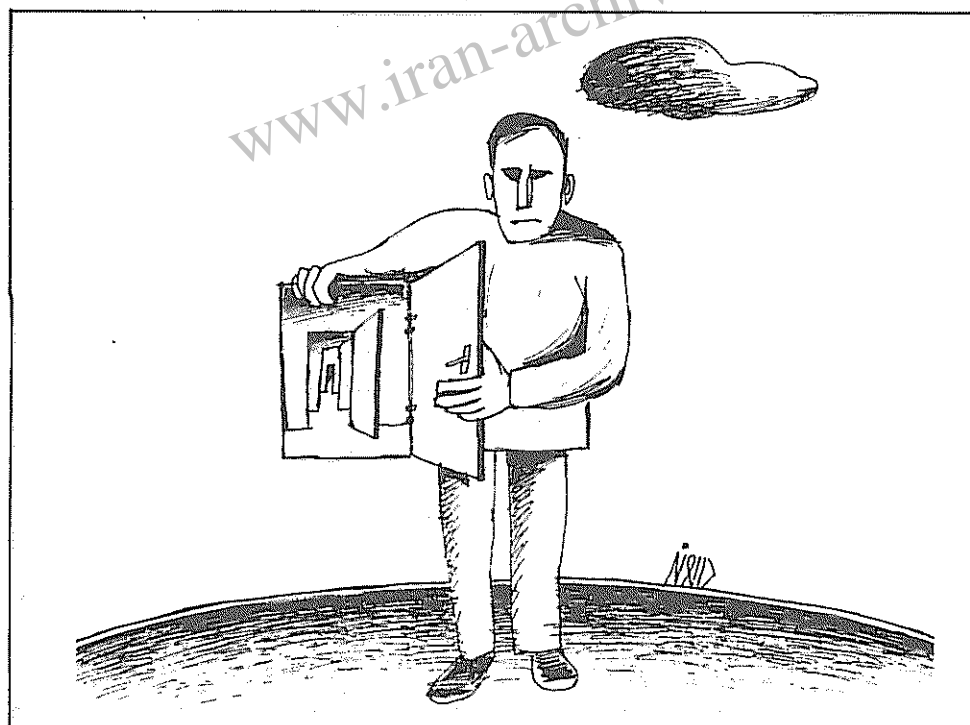
شرایط تاریخی پیش‌مازاد در کشورهای توسعه یافته

در اروپای قرن نوزدهم، سیستمی که عملا این کار را کرد چهارچوب اجتماعی موجود و پیداشونده جامعه بود. به این صورت که یک نظام فئودالی وجود داشت که افراد از آنجا رها می‌شدند و به عنوان کارگر به شهرهای می‌آمدند و هیچ چیزی هم نداشتند. پروتزی که مارکس مطرح کرد دقیقا در آنجا بود؛ چون کارگرها شده از روستا نه مایملکی داشت و نه تخصصی و جزو دست برای کار کردن چیزی نداشت. به همین دلیل، یکی از لغاتی که برای کارگر در انگلیس به کار می‌بردند لغت Hand است. پروتزی‌هایی که از روستاها کنده شده و به شهرهای می‌آمدند، چون تعدادشان زیاد بود و کار به اندازه آنها وجود نداشت، لذا به مزد حداقل قانع بودند و بازار هم رقابتی بود؛ از این رو هر چه رشد اتفاق می‌افتاد، کارگر نمی‌توانست مزد اضافی طلب کند؛ و به همین خاطر مصرف در حداقل و پایین نگاه داشته می‌شد، درحالی‌که رشد اتفاق می‌افتاد. سرمایه‌گذارانی که سرمایه نزد آنها جمع می‌شد، آنها هم مصرف نمی‌کردند؛ نه به دلیل

موتنازات و تمایل سواری بنزد ایران عموما چیزی دی نیست؛ مشروط بر آنکه بنزومتناز شده صادر شود، ولی اگر عمده بنز تولید شده در داخل کشور مصرف شود، حتی اگر در پنج یا ده سال در صد ساخت داخل قطعات آن زیاد شود، باز هم در صورت مصرف در داخل از دید توسعه مضر می‌باشد برای اینکه در مراحل اولیه توسعه برای کشورهای عقب مانده این اصل اساسی وجود دارد که باید حتما مازاد مصرف نشده، تولید به حداقل برسد. چیزی کتابی نوشته به نام "۷۰-۱۹۶۰ Development Pattern of" یعنی الگوهای توسعه از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰. در این کتاب آمار حدود صد کشور در رخ شده و الگوی ریاضی هم درست کرده‌اند که در آن می‌خواستند

در مراحل اولیه توسعه جامعه فقیر است و در جامعه فقیر چنانچه درآمد سرانه زیاد شود اول سراغ مصرف می‌رود، چون نیاز شدیدی مصرف داخلی وجود دارد و میل نهایی به مصرف نیز بالاست، به همین لحاظ در مراحل اولیه توسعه داخلی یک تضاد پیدامی‌شود که ناشی از نیاز به سرمایه‌گذاری و انباشت از یکسو و میل به مصرف از سوی دیگر است.

ببینند که نسبت پس انداز به تولید در مراحل رشد چگونه تغییر می‌کند؛ و متوجه شدند که به طور عادی انتظار این است که اگر درآمد سرانه حدود ۱۰۰ دلار باشد تقریبا ده درصد تولید پس انداز شود. وقتی درآمد سرانه به ۱۵۰۰ دلار در سال می‌رسد، حدود ۲۳ درصد از درآمد سرانه پس انداز می‌شود. پس، پس انداز از مرحله اول - درآمد سرانه ۱۰۰ دلار - به ۱۵۰۰ دلار به ۲۳ درصد می‌رسد؛ در این خصوص، سرانه ۱۵۰۰ دلار به ۲۳ درصد می‌رسد؛ در این خصوص، هم نسبت بالا می‌رود و هم مقدار. در عین حال، هر چند به تدریج که رشد اتفاق می‌افتد نسبت فوق هم زیاد می‌شود،



اینکه آدم‌های متفاوتی نسبت به سرمایه داران ما بودند، بلکه یک چهارچوب اجتماعی وجود داشت که مجبورشان می‌کرد سرمایه‌گذاری کنند. این چهارچوب اجتماعی هم دولت و قانون و امثال این پدیده‌ها نبود، بلکه دنیای رقابت بود. سرمایه‌گذاران می‌دیدند که مثلا برای تولید یک کالای خاص ۵۰ تولید کنند وجود دارند که همه در تلاش این هستند که هزینه تولید را کاهش دهند و همه می‌دانستند که اولین نفری که در این کار موفق شود بقیه رقیب را از میدان به در خواهد کرد و احتمالا موجب ورشکستگی رقیب خواهد شد. از این رو، دنیای رقابت دنیای وحشی است و معمولا هیچ سرمایه‌داری دنیای رقابت را دوست ندارد. آدم اسمیت که بعضا وی را پیغمبر سرمایه‌داری می‌دانند در کتاب خود تحت عنوان "ثروت ملل" بیان می‌کند که ضمن اینکه سرمایه دارها به دنبال نفع شخصی خود اقتصاد را متحرک می‌کنند، ولی باید مواظب آنها بود؛ یک خصلت رفتاری در سرمایه داران هست که آنها خیلی زود می‌فهمند که دنیای رقابت مطلوب آنها نیست و باید محیط رقابت خود را به محیط انحصاری تبدیل کنند؛ چرا که دنیای رقابت آنها را هم به دنیای سرمایه‌داری شدید و جلوگیری از مصرف و رفاه محدود می‌کند. غرض اینکه سرمایه داران دوره اروپا با توجه به اینکه، سرمایه نزدش جمع می‌شد و به

آنچه در زیر می‌خوانید بخش‌هایی از سخنرانی دکتر حسین عظیمی در مجمع اعضای هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (وابسته به سازمان تامین اجتماعی) است. دکتر عظیمی در این سخنرانی محورهای اساسی توسعه را مورد بحث قرار داده است.

دکتر عظیمی دارای درجه دکترای اقتصاد در رشته تخصصی توسعه از دانشگاه آکسفورد انگلستان می‌باشد. وی حدود ۱۷ سال به عنوان کارشناس، محقق و مدیر موسسات معتبر علمی و تحقیقاتی کشور فعالیت کرده است و سالهاست که در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، در دانشگاه‌های مختلف مشغول به تدریس است.

سخنرانی فوق از ماهنامه ایران فردا، شماره چهارم، گرفته شده و در دو شماره از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

در بررسیهایی که انجام داده‌ام - نتایج آن را در کتابی که در زیر چاپ است درج کرده‌ام - به این مطلب رسیده‌ام که برای اینکه یک جامعه بتواند مدرن شود چند عامل اساسی را لازم دارد که باید دست به دست هم و هماهنگ عمل نمایند؛ که مهمترین آنها پنج عامل زیر می‌باشد:

- ۱- فرهنگ مناسب
- ۲- تخصص مناسب
- ۳- سرمایه‌گذاری و انباشت کافی
- ۴- سازماندهی و مدیریت کارا
- ۵- نظام اقتصادی، اجتماعی نسبتا' با ثبات برای دوره‌های نسبتا' طولانی

در مدلی که در بحثهای توسعه وجود دارد و در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌شود، این بحث مطرح است که اگر جامعه‌ای بخواهد برای مدرن شدن خود برنامه ریزی کند باید پنج دسته عوامل فوق را هماهنگ نماید.

در بحث فرهنگ، باید روحیه و انسان توسعه‌ای بسازیم و بدون آن هیچ کاری نمی‌شود کرد؛ و برای پرورش شخصیت مجبور هستیم از مدارس ابتدایی شروع کنیم، لذا اولین جایی که معمولا' اقتصاد توسعه مد نظر دارد مورد تاکید قرار می‌دهد مدارس ابتدایی است. در این نگرش، مطلب این نیست که سوادآموزی عمومی هست و یا خیر، بلکه مهم این است که در مدارس ابتدایی آیا به صورت مناسب شخصیت، ویژگی و خلاقیت در بچه‌ها ایجاد می‌شود و به آنها آموخته می‌شود که به کار احترام بگذارند و نظام سیاسی را بفهمند یا نه؟ مساله دیگری که از دید ما مهم است اینست، مساله فرهنگ‌سازی صرفا محدود به مدارس نیست؛ بلکه به این هم مرتبط است که در جامعه چه نوع سازمانها و نهادها وجود دارند که الگوسازی فرهنگی می‌کنند و این سازمانها چه الگوهای را ارائه می‌دهند. این، دومین مطلبی است که امروز به آن نگاه می‌کنیم تا بفهمیم که در ۲۰ سال آینده چه اتفاقی در کشور رخ خواهد داد؛ و سومین چیزی که به عنوان مبحث تخصصی توسعه به آن توجه می‌شود اینست که آیا در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم نیازهای اساسی مردم (نیازهای اصلی حیاتی و همچنین تامین‌های اصلی اقتصادی) تا چه حد تامین شده‌اند؛ و همه اینها به همان مسئله فرهنگ برمی‌گردد و لذا اگر ببینیم که جامعه آموزش ابتدایی‌دی دارد و نهادها و الگوهای فرهنگ‌سازی آن نامناسب بوده و ابعاد فقر در آن گسترش پیدا می‌کند، می‌توانیم عنوان کنیم که این جامعه تا سالهای سال توسعه پیدا نخواهد کرد؛ حتی اگر میلیاردها دلار در آن تزریق شود.

در عامل دوم که تخصص می‌باشد به چهار ویژگی آن عنایت خاص می‌شود؛ یکی اینکه موسسات تحقیقات کاربردی موجود در کشور که اصطلاحا' به عنوان Development and Research نامیده می‌شود به چه صورتی می‌باشند و امکانات آنها چگونه است. دیگر اینکه حجم تحصیلات فنی و حرفه‌ای و سهم آن در مجموع تحصیلات چقدر است. مراد از تحصیلات فنی و حرفه‌ای تحصیلاتی است که اطلاعات مربوط به نحوه کار با ماشین و نحوه تعمیر ماشین، نحوه مدیریت، نحوه تنظیم و به کارگیری نظام اطلاعاتی و مسائلی از این قبیل را به نیروی کار منتقل کند (معمولا' دوره‌های سه ماهه، شش ماهه، یک ساله، دوساله). مساله سوم، میزان سواد نیروی کار، و مساله چهارم که بدان عنایت می‌شود وجود آکادمیهای علوم می‌باشد که در صورت فقدان وضعیت مناسب در هر یک از ویژگیهای فوق، اطمینان بیشتری حاصل می‌شود که چنین جامعه‌ای برای سالیان سال آینده توسعه‌ای و مدرن نخواهد بود.

عامل سوم، انباشت و سرمایه‌گذاری است. در سرمایه‌گذاری به چند نکته توجه می‌شود. اول اینکه آیا جامعه مکانیزمهایی دارد که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن، مصارف خود را نزد یک به حداقل مصارف حیاتی برساند و بدین وسیله امکان ایجاد مازاد تولید را فراهم سازد؟ به عبارت دیگر، هر چه در جامعه در حال گذار سطح مصرف از این حد بیشتر باشد، آن جامعه از دید توسعه کند تر حرکت خواهد کرد. بر این اساس است که بحث می‌شود مثلا سرمایه‌گذاری برای

کارگران به اندازه حداقل معیشت به عنوان مزد کار پرداخت می‌کرد (چون تعداد آنها خیلی زیاد و زمینه کار محدود بود)، نتیجتا' سرمایه اغلب نزد بورژواها انباشته می‌گشت و بورژوا به علت رقابت مجبوره ایجاد ابدا' و ابتکار بود و سرمایه جمع‌آوری شده را در پروسه تولید بکار می‌گرفت، لذا جامعه آن روزی اروپا این شکل را پیدا کرده بود که همه در پی تلاش و کوشش بودند و کار می‌کردند ولی مصرف در حداقل ممکن بود، و در نتیجه مازاد جمع‌آوری شده در پروسه تولید به جریان افتاد. حتی روستاها هم نتوانستند از این قانونمندی کلی برکنار باشند و عملا به آنها اثبات شد که راه دیگری برای توسعه وجود ندارد و باید مصرف را در حداقل نگه دارند.

منتهی، از آنجا که مالکیت شخصی وسایل تولید مجاز نبود؛ نمی‌توانستند از سیستم توزیع نامتعادل و غیره استفاده کنند. روستا بعد از انقلاب اکبر، بلافاصله به این مساله نرسیدند، بلکه پس از حدود ده سال و در سالهای ۳۰-۱۹۲۸ به این مطلب پی‌بردند. روش آنها این شد که در قیمت‌گذاری کالاها و تعیین دستمزدها به نحوی عمل کنند که کل دستمزدی که پرداخت می‌شد با حداقل معیشت تطبیق نماید و این نسبت مراعات می‌شد و برنامه ریزی بر مبنای آن استوار می‌گردید. مثلا حساب می‌کردند که با داشتن جمعیتی حدود ۲۰۰ میلیون نفر نیازهای اساسی جامعه شامل خوراک، پوشاک و غیره باید حداقل به چه میزان باشد؛ و مزدها به ترتیبی پرداخت می‌شدند که عملا تکافوی حداقل معیشت را بنمایند؛ و قیمت کالاها نیز به نحوی تعیین می‌شدند که با حفظ حداقل معیشت، حقوق بگیران بتوانند از آن بهره‌مند گردند. در عین حال، چون می‌دانستند که در چنین شرایطی بازار سیاه و نظایر آن امکان وجود پیدا خواهند کرد، اقدام به سهمیه‌بندی و از این سنخ امور می‌نمودند. به هر حال، هدف نهایی روستا در برنامه ریزی این بود که حداکثر تولید به عنوان مازاد جدا شده و در سرمایه‌گذاری به کار گرفته شود. همان طور که بیان شد، این یک قانون است.

پس تا اینجا بحث می‌بینیم که اگر خواسته باشیم ببینیم که درسی سال آینده در جامعه ایران که هم اکنون دچار مشکلات می‌باشد چه اتفاقی رخ خواهد داد، باید به چگونگی اداره مدارس ابتدایی، موسسات و نهاد های الگوسازی فرهنگی، نحوه تامینهای اصلی و اساسی اجتماعی، چگونه‌گی نقش آموزش فنی و حرفه‌ای، وضعیت آکادمیهای علوم و موسسات R AND D و سوادآموزی و نهادها مکانیزمهای مرسوم در جامعه برای اینکه تولید را در وجه غالب مصرف جدا نماید توجه لازم به عمل آوریم.

زمینه‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه

در کنار این مسائل باید ببینیم که در تخصیص مازاد تولیدی حاصل به امر سرمایه‌گذاری باید چگونه عمل کرد. اولین اصل در این زمینه این است که باید کوشید تا در سرمایه‌گذاریهای انجام شده هماهنگی در پنج زمینه خاص که ذیلا اشاره خواهد شد ایجاد شود. در خصوص سرمایه‌گذاری، توسعه زمینه‌هایی که می‌شناسیم یکی سرمایه‌گذاری در شناخت، تنظیم و مهار منابع طبیعی می‌باشد. مثلا اینکه منابع آب کشور چقدر است و توزیع پراکنده‌گی آن چگونه است؛ و همچنین منابع خاک، جنگلها معادن و الخ... زمینه سرمایه‌گذاری اساسی دوم، زیربنای تحقیقاتی شامل ساختمانهای عظیم مورد لزوم برای تحقیقات و تجهیزات آن، کتابخانه و لابراتورها و نظایر آنهاست؛ بناهای ارتباطی شامل شبکه راه‌ها و مخابرات و غیره است؛ مساله چهارم زیربنای انرژی، و بلاخره پنجم، شبکه‌های ابزار و کارخانه‌ها می‌باشد؛ برای حرکت توسعه‌ای لازم است این پنج زمینه با هم هماهنگ حرکت کنند و معمولا' در کشورهای توسعه نیافته مثل ما عملا این پنج زمینه در جهت عکس حرکت کرده‌اند. مثلا ما کارخانه بیخجال سازی وارد کردیم، بعد متوجه شدیم برق آن کافی نیست؛ درحالی‌که لازم بوده اول سراغ تامین انرژی برویم و بعد سراغ کارخانه؛ و یا بعد از انرژی سراغ راه و از راه سراغ تحقیقات و از تحقیقات به سراغ منابع رفته‌ایم. در مورد خود ایران، اگر دقت شود می‌بینیم که علی‌رغم اینکه باورکردنی نیست، ولی ما هنوز نقشه جامع زمین‌شناسی ایران را نداریم و هنوز امکانات آب کشور را درست نمی‌شناسیم و بر طبق بررسی‌های مقدما' تی در چند سال گذشته تازه متوجه شده‌ایم که راندمان استفاده لازم آب کشور احتمالا فقط حدود ۳۰ درصد می‌باشد. اما در خصوص نحوه به دست آمدن این رقم، سی سال پیش متخصصی زحمت کشیده و با اطلاعات ناقص آن روز بر آوردی انجام داده که مثلا استفاده از منابع آب در کشور ۳۰ درصد می‌باشد و از آن زمان به بعد ما مطالعه دیگری که حکایت از رقم دیگری بنماید را انجام نداده‌ایم. چهار- پنج سال پیش، تازه مطالعه جامع آب در ایران شروع شد و علی‌رغم نقایص آن زحمتهایی کشیده شده است که به ما آگاهی می‌دهد که چند حوضه آب‌ریز در ایران داریم و باران در کجاها زمین را می‌شوید و در کجا به زیرزمین می‌رود و از حوضه‌ای به حوضه دیگر نفوذ می‌کند و خیلی پدیده‌های دیگر.

حال اگر وضعیت جامعه‌ای در زمینه‌های فوق نیز دچار مشکل باشد، مشخص است که آینده آن مشکلات بیشتری را نشان خواهد داد. ادامه دارد

خوب و بد عصر اطلاعات

برگردان: ح- بهداد

قسمت آخر

در شماره پیشین "کار بخش نخست مقاله خوب و بد عصر اطلاعات" به چاپ رسید. در آن بخش تحولاتی که بر اثر انقلاب در عرصه اطلاعات در جهان مادی و حال روی دادن است و جوانب خوب و بد این انقلاب، مورد بررسی قرار گرفت. قسمت دوم و پایانی این مقاله جنبه های دیگری از انقلاب اطلاعاتی بر جهان معاصر و نقش رسانه های همگانی در چنین جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

"خوب و بد عصر اطلاعات" از ویژه نامه اسپیکل به نام "کره زمین ۲۰۰۰" (۱۹۹۳) برگرفته و ترجمه شده است.

انسان اطلاعاتی در جامعه ای خواهد زیست که تضادها و تباين های اجتماعی آن حادث تر از هر زمان دیگر خواهد بود - موقعیت قشری و طبقاتی چنین انسانی بیش از همه به توانایی وی در برخورد با هجوم اطلاعات و قدرت تشخیص اخبار مهم از پسمانهای اطلاعاتی گره خواهد خورد. اما سوال اینجاست که چه کسی باید وی را در راه رسیدن به این توانایی ها آموزش دهد.

راست این است که انحصارخانه و مدرسه بر پرورش کودکان اینک دیگر رنگ باخته و سیستم آموزشی با انتظارات و فشارهای فرا تر از ظرفیت خود مواجه است. کودکان قرن بیستم بیش از هر چیز از تلویزیون و کامپیوتر الهام و آموزش می گیرند. "کلوز هفتر" پرفسور انفورماتیک از برمن آلمان بر آن است که سیستم های آموزشی جهان نیازها و ضرورت های تکنولوژی اطلاعاتی را ابداع نکرده اند. در حالی که کارآموزان پیشرفته ضرورت تبیین کاملاً نوینی از اهداف آموزش در جامعه اطلاعاتی را دریافته اند، در نظام بورکراتیک آموزش و پرورش و در مدارس هنوز بنیاد گرایی کتاب پرستانه ای حاکم است که به جای آموزش از طریق رسانه ها، دو دستی به دانش کتابی نسل های پیشین چسبیده است. به نظر مارک گرویتز پرفسور تعلیم و تربیت از سوئد آموزگاران باید شیوه کار خود را تغییر دهند، زیرا وظیفه انتقال دانش و آگاهی را به تدریج ماشین ها به عهده می گیرند. مربیان تعلیم و تربیت باید از سکری خطابه فرود آیند و وقت خود را برای ایجاد ارتباط انسانی مورد استفاده قرار دهند، چرا که به گفته "گرویتز" با سرعت و جامعیتی که کامپیوترها در انتقال اطلاعات نشان داده اند دیگر جای برای آموزگاران باقی نخواهد ماند. از آنجایی که حافظه های الکترونیکی در قیاس با مغز انسان می توانند اطلاعات و داده های بیشتری ذخیره کنند، در آینده دیگر نیازی به آموختن بسیاری از اطلاعات و آگاهی ها نخواهد بود. این اطلاعات را می توان با فشار یک دکمه از حافظه کامپیوتر بر صفحه نمایش آن ظاهر کرد. با این همه از برخی توانایی های اساسی همچون توانایی خواندن نمی توان چشم پوشید. برپایه مطالعاتی که در سوئیس انجام گرفته، بهره گیران فعال از رسانه های چاپی بهتر از دیگران قادر به بهره گیری از رسانه های الکترونیکی نوین خواهند بود.

پیش بینی جامعه شناسان حاکی از آن است که مدیران اطلاعاتی کنسرن های رسانه ای و دست اندکاران بلند پایه شرکت های سازنده تکنولوژی پیشرفته یعنی افرادی که دسترسی سریع به اطلاعات قدرت و گریش و ارزیابی آنها را دارا هستند، ترکیب اصلی قشر فوقانی جامعه آینده را تشکیل خواهند داد. طبقه کارگر این جامعه را کتوله های اطلاعاتی یا به عبارت روشنتر کسانی تشکیل خواهند داد که نسبت به تکنیک های نوین شناختی ندارند، در برابر خط دهندگی رسانه ها حالت تمکین و انفعال دارند و قربانی شرایطی هستند که در آن مرز میان دانش و دیدگاه های فردی درهم ریخته شود.

بر اساس نمونه ای که بن فادلی دانشمند سوئیسی از قشر بنده تکنیک ارتباطی که در رقابت با ماشین هنوز و گسترنده تکنیک ارتباطی که در رقابت با ماشین هنوز مغلوب نشده اند در مرتبه دوم و مادون قشر مدیران اطلاعاتی قرار خواهند گرفت. قشر تحتانی تر اکثریت فارغ از کار جسمی جامعه و یا به عبارت دیگر سکرترها و کارکنان اداری قادر به کار با تکنیک جدید تشکیل خواهند داد. کسانی که از رهگذر اتوماتیزه شدن کارهای سنگین و بیست بیکار شده و به کمک نیازمند می شوند تحتانی ترین قشر جامعه را خواهند ساخت.

دیگر کمتر شغل و حرفه ای را می توان یافت که در آن از کامپیوتر استفاده نشود. در برخی از شاخه های پزشکی عدم استفاده از کامپیوتر دیگر غیر قابل تصورات است. از اطلاعات مربوط به بیمار تا تجربه و تحلیل خون، از تشخیص غده ها (تومورها) تا ارزیابی نتایج EKG (الکترو کاردیوگرافی یا نوسان نگاری برقی ماهیچه های قلب) و جراحی پلاستیک، همه و همه با کمک کامپیوتر صورت می گیرد. در کلینیک زنان دانشگاه مانهایم آلمان نحوه تولد نوزاد مدتی پیش از زایمان بوسیله کامپیوتر نمونه سازی می شود. کامپیوتر با حلاجی کردن اطلاعات مربوط به زن باردار و کودک نازاده، وضع و تناسب نیروها را به هنگام زایمان ارزیابی کرده و نموداری از آن را ترسیم می کند. پزشکان با دریافت این اطلاعات می توانند پیشاپیش تشخیص دهند که به هنگام زایمان سزارین لازم خواهد بود یا نه. برنامه های کامپیوتری خاصی وجود دارد که منشأ ۲۱ نوع سردرد را تشخیص می دهند. در جراحی های کامپیوتری دیگر چرا که کار را به همکار آدم واره خود یعنی روبات دکتر (Robodoc) وامی گذارد. در نوامبر سال پیش در کالیفرنیا برای اولین

بار یک آدم واره به جراحی انسان پرداخت. برش نگاران (توموگراف ها یا متخصصان عکسبرداری از لایه های مختلف اعضا و اندام های بدن) با دادن اندازه های استخوان ران و لگن خاصره به جراح آدمواره، آن را به گونه ای برنامه ریزی کردند که در محدوده های به اندازه یک دهم میلیمتر کانالی را برای نصب یک مفصل مصنوعی میان لگن خاصره و استخوان ران تعبیه کند.



تلویزیون، ابزار مسخ انسان یا رسانه ای آگاهی بخش؟

مدیریت اطلاعاتی (مدیریت مبتنی بر داده ها و آمار و ارقام) قادر به تعیین این امر خواهد بود که چه رشته هایی در یک عرصه تولیدی سرآمد و هدا یکنگر باشند: سلیقه یابی کامپیوتری امکان خواهد داد که تولیدات و خدمات پیچیده همچون اتومبیل به قطعات آن تجزیه شده و بر اساس خواست و سلیقه مشتری مونتاژ و سرهم بندی شوند. در صنایع نساجی اکثر اموار از ارسال مواد خام به کارخانه تا تحویل جنس به مشتری به صورت برنامه ریزی شده و کامپیوتری انجام می گیرد. این روش، از تولید فراتر از ظرفیت انبارها و نیز از تولید اجناس فاقد خریدار جلوگیری می کند.

هم اینک انتقال قدرت از سیاستمداران به رسانه های همگانی، کمابیش در حال تحقق است. به نظر "دیوید برادر" مفسر آمریکایی، رسانه ها اکنون از چنان نفوذی برخوردارند که دولتمردان را هیچ چیز بیشتر از تبلیغ برای خود و سیاست های خود در این رسانه ها مشغول نمی دارد

تکنولوژی اطلاعاتی یعنی رشته هایی که همه عرصه ها را به تغییر و تحول واداشته، نسبت به سایر رشته های صنعتی دیگر با بالاترین توان رشد برخوردار است. بازار فروش رسانه های نوین و اجزای آنها پیوسته در حال گسترش است. شواهد اما حاکی از آن است که آلمانها و اروپایی ها در همگامی با انقلاب صنعتی سوم عاجز و ناتوانند. عقب ماندگی اروپا در رقابت بر سر تسخیر آینده را در یک مقایسه زمانی می توان نشان داد. هانس دیترش گنشر وزیر خارجه پیشین آلمان در سال ۱۹۹۱ خواستار آن شد که ایجاد جامعه و اقتصاد مبتنی بر اطلاعات و آمار باید در مرکز استراتژی ناظر بر همه عرصه های سیاست قرار گیرد. دولت ژاپن نیز چنین هدفی را برای خود تعیین کرده است، منتی نه در سال ۱۹۹۱ بلکه در سال ۱۹۸۹، یعنی درست زمانی که در آلمان از فولاد و انرژی به عنوان رشته های تولیدی آینده ساز یاد می شد. از آن پس بود که ژاپن عرصه به عرصه پیشروی را آغاز نمود. در پایان دهه ۷۰ شرکت های ژاپنی، صنایع آمریکایی تولید کننده رسانه های الکترونیکی را از پای در آورده و با تکیه بر کارخانه های مجهز به کامپیوتر خود شرکت های اتومبیل سازی آمریکا را نیز پشت سر گذاشتند. در میانه ده هشتاد ژاپنی ها با کاهش قیمت ها، بازار نیمه هادی هایی که در اتصال های حافظه ای کاربرد دارند را به انحصار خود در آوردند. گرچه آنها در این قیمت شکنی ۴ میلیارد دلار متضرر شدند لیکن تقریباً همه شرکت های آمریکایی سازنده نیمه هادی ها را در بازار به حاشیه رانده و بدینسان بنیانی های تکنیکی اطلاعاتی را به تصرف خود در آوردند.

از این رهگذر ژاپن اینک در بازارهای جهانی انحصاردار عرصه دستگاه های فاکس است، در بازار تلفن و تلویزیون دست بالا را دارد و ویزودی آخرین سنگر آمریکایی ها یعنی بازار کامپیوتر نیز از آن خود خواهد کرد. همزمان با تغییر آرایش اقتصادی، دگرگونی های فرهنگی و سیاسی چشمگیری نیز در عرصه بین المللی در حال رخ دادن است. هم اینک انتقال قدرت از سیاستمداران به رسانه ها کمابیش در حال تحقق است. از نظر "دیوید برادر" مفسر آمریکایی رسانه ها اکنون از چنان نفوذی برخوردارند که دولتمداران را هیچ چیز بیشتر از تبلیغ برای خود و سیاست های خود در این رسانه ها مشغول نمی دارد. به گفته "برادر" هنگامی که رئیس جمهور پشتیبانی افکار عمومی و محبوبیت خود (که عمدتاً بوسیله رسانه ها ساخته و پرداخته می شود) را از دست بدهد، دیگر قادر به ادامه حکومت نخواهد بود. سیاست شناس انگلیس "تیموتی گارتن آلس" از همین حالا از تلویزیون به عنوان یک "بر قدرت" یاد می کند.

خطر آنکه "عصر اطلاعات" به دوران اطلاعات یک جانبه و یک سویه بدل شود، جدی و واقعی است. در چنین صورتی انسان به موجودی تابع و هدایت شونده بدل خواهد شد که هیچ شانسی برای سازندگی اجتماعی نخواهد داشت

این روند، تأثیرات متناقضی را به دنبال خواهد داشت. به نظر اقتصاد شناس سوئیسی "کریستیان لوتر" خطر آنکه "عصر اطلاعات" به دوران اطلاعات یک جانبه و یک سویه بدل شود، جدی و واقعی است. در چنین صورتی انسان به موجودی تابع و هدایت شونده بدل خواهد شد که هیچ شانسی برای سازندگی اجتماعی نخواهد داشت و در رشد خود سازی شخصی خود نیز به کثرت گرایی کاذبی متکی خواهد بود که اختیارش در آن از حق انتخاب میان کوراکولا یا پستی کولا فراتر نخواهد رفت. به پیش بینی آقای گوتس "اقتصاد شناس سوئیسی نظرات و آرا چنین جامعه دست آموزی اراده ای را رسانه ها بیش از پیش برای تأیید شما و تصویر کاذب خود از جهان مورد استفاده قرار خواهند داد. برای پیشگیری از روگردانی آگاهانه مردم از رسانه ها و نیز برای ممانعت از درهم ریزی واقعیت جهان ظاهراً هماهنگ ساخته رسانه ها، استراتژی های بازدارنده ای در دست تدوین است که میتواند به فروپاشی درونی، بی تفاوتی و بیادبینی انسانها نسبت به دیگر هموعان و شهروندان منجر شود. برای تأکید بر واقعی بودن چنین روندی می توان به پاره ای نشانه ها و دلایل همچون افزایش انفعال سیاسی و قدرت گیری "حزب انتخابات گریزان" (کسانی که در انتخابات شرکت نمی کنند) اشاره کرد. میزان شرکت مردم در انتخابات عمومی آلمان فدرال در سال ۱۹۷۲ ۹۱/۹ درصد، سال ۱۹۸۴ ۸۴/۳ درصد و سال ۱۹۹۰ تنها ۷۷/۸ درصد بوده است. در آمریکا تنها ۵۴ درصد مردم در آخرین انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند.

ستایش از جامعه اطلاعاتی گهگاه حالتی تعصب آمیز و مذہبی به خود می گیرد. این ستایش بعضاً به حدی است که به نوشته هفته نامه "تسایت" گویی که برنامه ریزان کامپیوتری، متخصصان انفورماتیک و کارشناسان وارد به امورسیم و کابل اسقف های دوران معاصرند. فیلسوفی به نام آقای "فوسر" نیز غولهای رسانه ای امروز را با حکیمان و فرهیختگان پیشین مقایسه می کند که جماعت بیسوادان پیش آنها زانو زده و به حمد و ستایش حروف الفبای پر داختند. برخی از نوشته ها و تبلیغات مربوط به رسانه ها که اخیراً منتشر شده اند به متنی ها و آموزه های مذہبی شباهت دارند. انتشاراتی پوردا (مجله معروف مد که چندین مجله دیگر را نیز منتشر می کند) در متن تبلیغی خود می نویسد: "ما به نیروی رسانه ها در ختن سازی تهاجم و تنش ها باور داریم. هیچ چیز بیشتر از ارتباطات آزاد ضامن ثبات و پایداری جهان را بنیاد نهاد. وی حقوق بشر نیست. از این روموافق ارتباطات جامع و فراگیر هستیم.

اما نمونه برزیل (ونه تنها این نمونه، بله شیوه گزارش دهی از جنگ دوم خلیج فارس و حوادث اکبر سال گذشته مسکو -) بر خصلت الفبا گری و شست و شو دهنده گی مغزی رسانه ها تأکید دارد. در این کشور (برزیل) سرمایه داری به نام "رئوتومارینو" در دهه قبل بزرگترین امپراطوری رسانه ای جهان را بنیاد نهاد. وی اینک با انتشار چندین روزنامه، تملک چندین ایستگاه رادیویی و وبیژه بخش برنامه های خشن و مبتذل از ایستگاه تلویزیونی "گلوبو" به قدرتمندترین مرد آمریکای جنوبی

بدل شده است. گامیوبیا نمایش فیلمها و سریالهای انحرافی و بی محتوا و یا بخش اخبارهای دست چین شده و خط دهند، شعور و آگاهی ۱۵۵ میلیون برزیلی را به آسانی تحت تأثیر قرار می دهد. از این رهگذر مارینو توانست در سال ۱۹۸۹ اولین انتخابات آزاد ریاست جمهوری پس از حاکمیت نظامیان را به نفع خود به پایان برد. وی با توجه به موضع منفی عمومی در قبال سیاستمداران فاسد و بی اختیار دوران گذشته، پسریکی از دوستان ناشر خود به نام "فرناندو کلدرد ملر" را از طریق یکی از فرستنده های رادیویی کاندید احراز پست ریاست جمهوری نمود. "کلر" را تا هشت ماه پیش از انتخابات یک درصد مردم هم نمی شناختند و هنگامی که در درودم انتخابات ریاست جمهوری خطر شکست وی در برابر رقیب پر نفوذش از جناح چپ عمده شد، فرستنده تلویزیونی گلوبو حتی پس از مهلت مقرر برای تبلیغات انتخاباتی نیز، بی وقفه به بخش مونتاژ شده بخش های از یک مناظره تلویزیونی مشغول بود که در آن کاندید چپ حملات کلر را با استدلالات چندان محکم پاسخ نمی داد.

مارینو با بهره گیری از حداکثر نفوذ خود کلر را سرانجام به پیروزی رساند. (برلوسکونی نخست وزیر دست راستی جدید ایتالیا که صاحب دوشیکه تلویزیونی است نیز پیروزی خود را مدیون بهره گیری تبلیغاتی از امکانات رسانه ای خود و تهاجم تبلیغاتی سنگین علیه کاندیدای چپ از طریق این رسانه ها است. م -) کلر پس از تصدی پست ریاست جمهوری با تلویزیون "گلوبو" در یک اتحاد ظاهراً خدشه ناپذیر قرار داشت تا اینکه برادرش از رشوه خواری و فساد در راس هرم دولت پرده برداشت. چندین ماه از کار مارینو همه امکاناتش را در اختیار کلر قرار داد تا موارد افشا شده را تکذیب کند. در این راستا رئیس جمهور مجاز بود که در "گلوبو" بدون هیچ ندای مخالفی دروغ سرهم بپافد. اما با بالا گرفتن اعتراض مردم مارینو سرانجام دریافت که حفظ کلر دیگر ناممکن است. به نوشته واشنگتن پست هنگامی که گلور سرانجام سکوت را شکست و به نمایش مفصل تظاهرات خیابانی مردم پرداخت، همگان دریافتند که ورق در حال برگشتن است و کلر با دشواریهای جدی مواجه شده است.

کلر در اوایل سپتامبر ۱۹۹۱ سرانجام استعفا کرد، اما مارینو میلیاردر هیچ ضرورتی نی ندید. او هم اکنون به دنبال یافتن کاندیدای مورد نظر خود برای انتخابات پاییز ۱۹۹۴ است.

البته اینک رسانه های گروهی جدید بالقوه حامل بار دمکراتیک هستند، حرف ناگوارتری نیست. برای مثال گروه ها و اجتماعات که به ابتکار خود مردم پدید می آیند در آینده برای برگزاری همه پرسی و یا طرح خواسته های خود دشواریهای کمتری خواهند داشت. به عقیده یکی از کارشناسان "در آینده ای نه چندان دور مردم طومارها و یادداشت های رای را که در رابطه با مسائل و مصالح مختلف آنها تنظیم شده بر صفحه کامپیوتر خود دریافت کرده و آن را رد یا تأیید می کنند.

بدینسان گسترش شبکه رسانه ها این امکان را فراهم خواهد ساخت که دمکراسی مبتنی بر انتخاب نماینده با انکابه عناصر دمکراسی پایه ای (نظر مردم) بیش از پیش اصلاح شود و بهبود یابد. در چنین شرایطی دولت ها می توانند پیوسته نظر مردم را جویا شده و یا آنها را به ارائه رای کامپیوتری فراخوانند. چنین روندی به نظر نویسندگان داستانها و مطالب علمی - تخیلی در پایان خود به ایجاد یک ماشین دولت خواهد انجامید. به عبارت دیگر دولت از کامپیوتری تشکیل خواهد شد که نرم افزارش قانون اساسی است.

نیروی عظیم دگرگون ساز رسانه ها برای سیستم ها و رژیم های دیکتاتوری نگرانیهای پدید آورده است. برای مثال در چین شهرندان اجازه ندارند که آنتن های بشقابی بر پشت بامهای خود نصب کنند. در مالزی و سنگاپور اهالی از دریافت اخبار سانسور نشده محرومند. در تابستان سال گذشته دستفروشهای کنار خیابان در بانکوک نوار ویدیویی را عرضه می کردند که کشتار مردم تا بلند توسط نظامیان در آن ضبط شده بود.

سیاستمداران جهان سوم مدتها در تلاش بودند که در برابر هجوم یکطرفه تصاویر تلویزیونی غرب به کشورهای خود مانع ایجاد کنند. در دهه هفتاد کشورهای جنوب عضویونسکو بر آن شدند که مقررات جدیدی را در عرصه تبادل اطلاعات در گستره جهاد وضع کنند. در نظر آنها جریان سیل آسای تصاویر تلویزیونی و سینمایی غرب به سوی کشورهای در حال توسعه نوعی "تهاجم فرهنگی" نامطلوب تلقی می شد قدرتهای غربی اما تأکید داشتند که جریان تبادل اطلاعات باید از هر گونه قید و بند آزاد باشد. در ای راسا آمریکا یعنی بزرگترین تأمین کننده مالی یونسکو، عنوان مخالفت با خواست کشورهای جهان سوم از سازمان را ترک کرد و بدینسان مسئله وضع قوانین مسکوت ماند.

چه بدبینی کسانی که در تداوم اوضاع کنونی بر آه دیکتاتوری مجتمع رسانه ای چند ملیتی را پیش بین می کنند و چه خوش بینی کسانی که امید برپایی جهاد رویایی و بسامان را در سرمی پرورند هیچ کدام نا ضرورت دمکراسازی همگانی با اندیشه متحول عم اطلاعات نیست. به نوشته فیلسوف معروف "هان یوهانس" جامعه ای که با شیوه تفکر عصر صنعتی یخواه به دوران جدید پا گذارد، در بهره گیری از توان و امکان انقلاب اطلاعاتی هیچ شانسی نخواهد داشت.

پیام ودعوت از ایرانیان مقیم خارج از روی ضعف و فریکاری است

پس از مرگ خمینی و تشکیل دولت مذهبی، تکنوکرات رفسنجانی و پیش گیری سیاست پراگماتیستی از جانب وی، صف بندی جدیدی درون و بیرون حاکمیت پدیدار گشت، او با برنامه ریزی پنج ساله دوران ریاست جمهوری خود که معروف به برنامه تعدیل اقتصادی است، سیاست دیکته شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را در پیش گرفت. جهت اجرا و تحقق این برنامه، رفسنجانی نیازمند حمایت معنوی و پشتیبانی مالی بخش گسترده سرمایه های خارج و متخصصان و مدیران فنی ایرانی مستقر در خارج بود.

برای پیشبرد برنامه فوق و بهره برداری سود آزار اقتصاد کشور، دولتهای غرب در اکثر جراید و رسانه های خود شروع به تبلیغ مبنی بر سمگریهای لیبرالیزه شده دولت آقای رفسنجانی نمودند.

در این میان برخی از احزاب دیوانی و تنی چند از شخصیتها به اصطلاح شناخته شده آستین حمایت از اقدامات جدید دولتی را بالا زدند و در صدد مسمومیت افکار و نیروهای خارج، در سمت افکار عامیانه برآمدند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

آنها تلاش داشتند که مخالفین و پناهندگان را به شهروندان مطیع و قانع بدل سازند.

از جمله می توان درج دهها مطلب از این دست، سخنرانیها و ملاقاتهای آنچنانی را نام برد.

بعد ها با شکست سیاست تعدیل، خلاف تفکر و موضوعات یاد شده به اثبات رسید و مکرر سی دروغین هر چه بیشتر هویدا شد.

اکتون مسئله اصلی آن اندیشه به نوعی دیگر عمل می نماید، آن بار آنان از در بیرون شدند و اینبار تلاش دارند خود را از پنجره وارد بسازند.

عرصه دعوت به بازگشت تنها به طیفی که بدان اشاره رفت محدود نگردید، بلکه ترکیب وسیعی از پناهندگان سیاسی را نیز در بر گرفت. حکومت با چار و چنگال دفاع از آزادبهای سیاسی و وجود مکرر سی در کشور مدعی آمادگی پذیرش بخش قابل توجهی از پناهندگان به ایران گردید و سفارتخانه های خود را در کشورهای پناهنده پذیر به برخورد های درخور یا مراجعه کنندگان فراخواند و از طرف دیگر تروریستهای مسلح خود را جهت به قتل رساندن فعالین اپوزیسیون خارج از کشور هدایت کرد!

ابلاغ پیام و صحبت از بازگشت مهاجرین به میهن تنها زمانی قابل تمق و بررسی است که زمینه های حصول آن فراهم شده باشد.

بدون طرح و پایه ریزی نظامی لاییک مبنی بر اراده و رای آزادانه مردم که به مفهوم لغو نظام ولایت فقیه و جدایی دین از دولت است، بدون آزادی احزاب و سازمانها، اتحادیه ها و انجمنهای صنفی، بدون منع پیگرد نیروهای سیاسی کشور، اقلیت های ملی و مذهبی، بدون آزادی کلیه زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و اعدام، بدون آزادی قلم، بیان، مطبوعات و لغو سانسور، بدون به رسمیت شناختن، پاسداری و احترام به منشور جهانی حقوق بشر، بدون بررسی و جبران خسارتی که به پناهندگان طی ایام مهاجرت وارد آمد و تضمین امنیت جانی آنان و خانواده هایشان از طریق نظارت ارگانهای مربوطه جهانی، صحبت از بازگشت مهاجران به کشور فریبی بیش نخواهد بود.

در صورت عدم تحقق موارد بر شمرده شده و با توجه به ماهیت و عملکرد پانزده ساله حکومت مستبد اسلامی، بازگشت پناهندگان سیاسی تنها با رخداد یک تحول نسبتا اساسی در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که حضور پناهندگان در وطنشان را امکان پذیر می سازد.

مهاجرین به خوبی واقفند که تنها چند روز قبل از بیانات آقای رفسنجانی، نویسنده سرشناس استاد پیشین دانشگاه آقای سیرجانی به اتهام واهی از طرف ارگانهای امنیتی کشور بازداشت گردید.

و دقیقا همزمان با پیام نوروزی ایشان، در صددیت حکومت با نوروز، این روز خجسته ایرانیان، صدها حاجی فیروز در سطح کشور دستگیر شده و با آغاز سال نو تدارک همه جانبه علیه آراشی شهروندان تحت عنوان مبارزه فرهنگی با نصب آتشن های بشقاب صورت پذیرفت.

آقای رفسنجانی!

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون نه بر استعداد از مردم بلکه بر پایه استبداد مذهبی و سرکوب اعتراضات آنان توانسته به تداوم حکومت ادامه حیات دهد.

شما در هر مقطع از دور جدید دورانهای حکومتی و به تیر رفیع آن بحران از سر خویش و توجیه شکست سیاست تعدیل اقتصادی و این بار نیز با توجه به تغییر و جایجایی اخیر چند تن از وزرا و مسئولین برخی ارگانهای تحت نظارت، به سود جناح مقابل، یا اغوا در صدد تقویت مواضع و موقعیت نسبتا تضعیف شده خویش برآمدید. پاسخ مهاجرین به شما تایید و تاکید آخرین گزارشهای کمیسیون حقوق بشر و دیگر گزارشات سازمان عفو بین الملل مربوط به ایران می باشد که تا همین لحظه بیانگر رسوائی و بدنامی تمامی ارگانهای مسئولین آن نظام فاسد است که شما و دیگر شرکای پتان بر مسند آن قرار گرفته اید.

شما زندگی نزدیک به ۸۰٪ از ساکنین کشور را به زیر خط فقر رانده اید و هیچ اقدام و چشم انداز روشنی در راه تغییر این وضع دهشتناک ریز صورت نداده اید و بر عکس تلاش صادقانه و ملی روشنفکران و متخصصان جامعه در راه توسعه، دموکراسی و عدالت اجتماعی را عملی شیطانی قلمداد و سرکوب کرده اید. طبیعی است که این سیاست قدرت جذب انسان آگاه و متخصص امروز را نداشته باشد. تردیدی نخواهد بود که مواعید دماغ گوی شما نزد ایرانیان خارج از کشور، راه به جایی نخواهد برد و به مثابه وعده های سر خرمن تلقی خواهد گردید.

مريد طاعت بیگانگان مشو حافظ ولی معاصران پارسی می یاش

نگاهی دوباره به پیام آقای رفسنجانی

مسافر

می رود که تنها شود باید به این امر تحریر نمود. آیا همچون "سلام" ها که بر تحریر و آزادی مطبوعات مومن اند او نیز، اگر چه دیرتر، قصد مدداری تنهایی خود را با سیل سیاه سیون داخل و خارج کشور در یک حزب سیاسی نشانه گرفته است؟ به هر حال هر چه باشد به بسط دموکراسی و آزادی احزاب کمک خواهد کرد و مقاله می بایست در این بخش نگاه خود را به آزادی احزاب سیاسی و حضور حزب به عنوان ابزار برای پشتیبانی خوب بودن معطوف می نمود.

اما راستی در مورد سیاه سیون و بازگشت ایشان به وطن، آنهم از صدر تا ذیل باید گفت که منتظر می مانیم تا شرایط جهنمی... تغییر یابد.

این قسمت از مقاله را ببینید:

"آنان که خواهان بازگشت به کشورند هیچ چاره ای ندارند جز آنکه امید ها و تیروهای خود را معطوف به تلاشهایی سازند که هدفشان به طور واقعی تغییر شرایط جهنمی است که زندگی در ایران را دشوار و ناممکن ساخته است" درست است که می توان و باید توقع آزادی فعالیت مثبت سیاسی را داشت، اما این شرط بازگشت است؟ با این حساب مشتاقان بازگشت را تا آینده ای نامعلوم بایستی با انتظار نگاهداشت و نتیجه کنش و واکنش داخل

قصد دارد که پس از بازگشت با ایشان متفقا چه چیزی را بسازد و چه چیزی و کسی را ایران کند؟

در مقاله اساسا با این جنبه ها برخورد نشده است.

قطعا شما نیز با من همدستان خواهید شد که ایشان بدنیال کسانی می گردد که اس و اساس جمهوری را مورد حمله قرار ندهند. و گرنه که مخالف سیاسی در ایران به معنای مثلا مخالفت با دولت امریت عادی و تاحدی نیز غیر عادی، چرا که درون کابینه هم وزیران سازهای جدا گانه می زنند، حالا آیا نمی توان آقای رئیس جمهور را تصحیح کرد که:

تنها پشتیبانی سیاسی، که در یک مکانیسم بلافاصله می تواند پشتوانه خوبی برای کشور باشد کافی نیست، بلکه خود نفس نظرات سیاسی بدون توجه به موافقت و مخالفت با سیاست های دولت نیز در مکانیسمی غیر مستقیم بر تصحیح نظرات رایج تاثیر حتمی و البته "خوبی" دارد.

آنگاه می توان بحث حزب را بگیری کرد. اگر ایشان پشتیبانی را می خواهد، ابزار این پشتیبانی را باید شناساند و برای آن کسب مقبولیت کرد. راستی آیا آقای رفسنجانی می خواهد حزب ویژه ای تاسیس کند؟ و چنین است که دعوت عضویت می فرستد. آیا او را که اکنون

غرض از قلمی کردن چند صفحه ای که از این پس اقدام می شود اظهار نظر شما نسبت به پیام نوروزی آقای رفسنجانی است.

قبل از هر چیز بگویم که اساسا کل یادداشت با نظر منفی به اظهارات آقای رفسنجانی برخورد کرده است و دچار تک بیینی نیز شده است. به این معنی که مخاطبین دعوت را سیاه سیون و یا کسانی که التفات زیادی به سیاست دارند قرض نموده است، و اساسا وارد این بحث نشده است که چرا این اولین دعوت عنوان شده است، چه انگیزه های سیاسی در آن دخیل بوده است، این سرمایه های ملت را برای چه کسی در حکومت سوچه اقدامی در حوزه قدرت به داخل دعوت کرده است. اگر به شرایط کنونی ایران آشنا باشیم، جنگ قدرت میان ایشان و جناح راست را بشناسیم، آنگاه خواهیم فهمید که انگیزه ها چیستند. راستی آیا در پیام آقای رئیس جمهور اولین مخاطبان، چهل پنجاه هزار جوانی هستند که به سودای تدارک زندگی آتی با تحمل صدها مشکل امروزه در ایران و با کشورهای نفت خیز نیروی کار خود را در مرده شویخانه ها و مراکز نظافت و ازاینگونه می گذارند؟ آیا منظور دانشجویانی هستند که در خارج تحصیل می کنند، آیا خانواده های مهاجریکه در بازگشت به وطن مشکل اولیه آنها اسرار معاش خواهد بود می باشند. آیا سیاه سیون برای اینکه حزبی بسازند که مبتدایش نفی قانون اساسی و نتیجه ی تضاد بنیادی با رژیم است؟ راستی مخاطب ایشان کیست و ایشان

پاسخ به نامه ها

همکار بسیار گرامی ع. بهار: همانطور که در کار شماره ۸۳ ملاحظه کرده اید، برگردان مصاحبه "فرانکفورتر روند شاو" با جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق، زیر عنوان "باید برای یک امر قابل تحقق مبارزه کنیم" به چاپ رسیده است. این مصاحبه از سوی یکی از همکاران ما در تحریریه به فارسی برگردانده شد و ترجمه شما یک هفته بعد از آن به دست ما رسید. و بدین دلیل متأسفانه بی استفاده ماند. این انتخاب مشترک هر چند موجب دوباره کاری شد، اما نشان داد که علیرغم فاصله دور ما از یکدیگر نگاهمان در مورد مسائل خارجی به ویژه منطقه - در مسیر واحدی است!

مقاله ای طولانی با نام "بررسی و نقد مختصری بر چهار نکته اساسی مارکسیسم" با امضای "جنبش روشنفکری ایران" به دست ما رسیده است. این دوستان خواهش کرده اند که مقاله نامبرده و یا گزیده هایی از آن در نشریه کار درج شود. این مقاله ظاهرا برای نشریات دیگر نیز فرستاده شده است.

به اطلاع این دوستان عزیز می رسانیم، "کار" از انعکاس نظرات متفکرین و فعالین سیاسی در صفحات خود استقبال می کند اما برای اینکار شروطی نیز دارد. از جمله این شروط این است که مقالات ارسالی دارای امضای فردی - نه امضای حزب و گروه و جریان سیاسی خاصی - باشند. منحصر برای "کار" فرستاده شده باشند و در آن ها رعایت حجم مناسبی که قابل درج در نشریه کار باشد، شده باشد. ما ترجیح می دهیم که نویسندگان مقالات خود رعایت خلاصه نویسی را بکنند و این کار دشوار را بر عهده ما نگذارند. بنابراین از آقای م. حسن بایگان که نامشان زیر مقاله مورد گفتگو آمده، خواهش می کنیم خلاصه ای از مقاله خود را، برای ما بفرستند.

آقای الف. ترکمن: با سلام و آرزوی موفقیت متقابل. تذکر انتقادی شما را می پذیریم. قصور در عدم اعلام وصول مقاله "ستم ملی در ایران و اقلیت، نه تخیل آزادی ماست. خلاصه مقاله شما آماده چاپ است و آنرا در نخستین شماره آینده "با خواننده کان" درج خواهیم کرد.

در مورد پیشنهاد شما مبنی بر گشودن صفحه ویژه ای که مربوط به مسأله ملی باشد، به اطلاع عتاف می رسانیم که هیئت تحریریه کار در شرایط حاضر چنین قصدی را ندارد. مقالات دارای کیفیت مناسب که به این موضوع پرداخته باشند، در بخش دیدگاهها درج خواهند شد. پیروزی باشید.

مقالات و نامه های رسیده

انقلاب شکست خورد... و بر ما چه گذشت - تقی جنگ رذیلا نه آنکارا در کردستان. مترجم: پرند

چند خبر کوتاه. مترجم: محمد - کانادا

سیمای امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکای در سالهای اخیر (نامه هفتم) محمد - کانادا

چرا اتحاد چپ به فردهای دور موکل می شود؟ - سوارطان

کنگره فوق العاده ساندینیتس ها - ع. بهار

کمک های مالی

۱۰۰ مارک از محل کمک های جمع آوری شده در جشن ۱۹ بهمن در نورژ

۲۰۰ مارک کمک تشکیلات نوروز به نشریه کار

۲۵۲ مارک کمک تشکیلات نوروز به نشریه کار

۵۰ مارک کمک مالی از ژاپن توسط رفیق - آ

می بایستی همراه با حضور سیاستهای مالی روشن باشد. میبایستی از ایشان خواست که نقطه نظرات اقتصادی را بدون پرده پوشی بیان دارند. یا لیات در تصمیمات اقتصادی و قانونیت بخشیدن به حقوق مجاز مالی، انتخاب راه توسعه عملیت.

به هر تقدیر بایست گفت لازمست پیام آقای رفسنجانی را دوباره مطالعه کرد و راههای شروع و تداوم و گسترش ارتباط داخل و خارج را جستجو کرد.

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک ☐

مدت اشتراک: شش ماه ☐ یکسال ☐

نام: تاریخ:

آدرس: Name:

Address:

فرم را همراه با بایهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایند.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه - ۴۵ مارک

یکسال - ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه - ۵۲ مارک

یکسال - ۱۰۴ مارک

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.

حساب بانکی: M.ABD
RUZBEH
POSTFACH 1810
52020 AACHEN
GERMANY

کد بانک: NR_35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

شماره فکس: 3318290 _ 221 _ 0049 Fax:

روسیه همچنان بی ثبات و درگیر جنگ قدرت است

سخنگوی پلتنین رئیس جمهور روسیه با لحن تند و تیزی گزارش دوشنبه در چاپ مسکو را دایر بر اینکه در کرملین، برکناری چرنومیردین نخست وزیر این کشور به بهانه بدی وضع سلامتی او تدارک دیده می شود، تکذیب کرد. دوهفته پیش نخست وزیر روسیه به کلینیکی در شهر مانتس آلمان رفت تا به علت بیماری سنگ کلیه، مورد معاینه قرار گیرد. در یک مصاحبه مطبوعاتی مشترک با نخست وزیر روسیه، پزشک معالج وی وضع جسمی چرنومیردین را «عالی» توصیف کرد.

درفته های اخیر در نشریات مسکو گزارش هایی درباره یک بحران تقریباً آشکار در دولت روسیه که طی آن، سرنوشت سیاسی چرنومیردین زیر علامت سؤال رفته است، چاپ شد. طبق این گزارش ها، موضوع کشمکش، بودجه سال ۱۹۹۴ و میزان کسری پذیرفتنی در آن بوده است. در حالی که چرنومیردین با حمایت شوخین وزیر اقتصاد و دو بین وزیر دارایی و مطابق با قول هایی که دولت روسیه به صندوق بین المللی پول داده است، از یک کسری بودجه حتی المقدور کم جانبداری کرده اند، اکثریت کابینه به رهبری سوسکویتس تحت فشار نمایندگان نظامیان و مجتمع نظامی-صنعتی خواهان افزایش هزینه ها بودند. با دخالت پلتنین در جهت خلاف نظر نخست وزیر، کشمکش پایان یافته است.

قبل از این، پلتنین با نمایندگان مدیران صنایع سنگین و تسلیحاتی

دولتی و مسئولان دولتی مناطقی که بطور ویژه به این صنایع وابسته اند، ملاقات کرده و اظهارات تحت تأثیر گفته های آنها در مورد عراق ادامه کاهش تولید این صنایع قرار گرفته بود. در پنج ماه اول سال ۱۹۹۴، تولید این صنایع در مقایسه با دوره مشابه سال قبل، ۲۶ درصد کاهش نشان می داد، در حالی که سال گذشته نیز برای این صنایع، سال بدی بود. از جمله طرفداران افزایش قابل توجه هزینه های نظامی در بودجه ۱۹۹۴ به میزان ۵۵۵ بیلیون روبل، یعنی بیش از ۳۰ میلیارد دلار، گراچف وزیر دفاع و نیز شورای فدراسیون، مجلس اول پارلمان روسیه اند. در این مجلس، نمایندگان صنایع تسلیحاتی نفوذ زیادی دارند. اما یوشنکوف رئیس کمیته دفاع دوما دولتی مجلس دوم پارلمان نیز، که از فراکسیون «انتخاب روسیه»، یعنی جناح موسوم به اصلاح طلبان است، از افزایش زیاد بودجه ارتش حمایت کرد.

دوما دولتی دوهفته پیش علیرغم اینکه کمونیست ها، حزب ناسیونالیست ژیرینفسکی و چند فراکسیون میانه اعلام کرده بودند که به افزایش ۵۵۵ بیلیون روبلی هزینه های نظامی رأی خواهند داد، در شوردوم، بودجه سال ۱۹۹۴ را بدون افزایش قابل توجه کسری آن تصویب کرد. بدین ترتیب با مجموع درآمدهای به ارزش ۱۲۴/۴ بیلیون روبل و هزینه هایی در حد ۱۹۴/۴ بیلیون روبل، مقدار کسری ۷۰ بیلیون روبل پیش بینی شده از سوی دولت،

که برابر با ۹/۶ درصد تولید ناخالص داخلی روسیه است، تغییری نیافت. بسیاری از اعضای فراکسیون های معروف به اصلاح طلب در دوما، مانند جیدورهر انتخاب روسیه و وزیر پیشین اقتصاد دارایی، یا رأی معتنع دادند و یا اصلاً در رأی گیری شرکت نکردند. جیدور، لایحه بودجه را «غیرواقع بینانه» خواند. در مقابل، اپوزیسیون رادیکال به لایحه بودجه رأی داد. با این حال، علیرغم این رأی، حرف آخر درباره لایحه مزبور هنوز زده نشده است. پس از شوردوم در دوما، موافقت شورای فدراسیون نیز ضروری است. شومیکو رئیس این مجلس بارها اعلام کرده است که هزینه های نظامی باید افزایش یابد و لایحه فعلی قابل پذیرش نیست.

از این روش گل گرفت یک بحران دولتی به علت لایحه بودجه، متفی نیست. این نیز تصادفی نیست که در حدسیات پیرامون تغییرات احتمالی دولت، پیوسته از سکوکوف نام برده می شود. وی در حال حاضر رئیس اتحادیه تولید کنندگان کالا است. سابقه فعالیت سکوکوف به صنایع تسلیحاتی برمی گردد. او در دوره نخست وزیری سیلایف مسئول امور اقتصادی روسیه بود و مدتی نیز دبیری شورای امنیت پلتنین را برعهده داشت. سکوکوف در آن دوره مورد مخالفت نیروهای معروف به اصلاح طلب بود. سکوکوف پیش از یک سال پیش بدین علت که با برنامه های پلتنین برای اعلام وضعیت فوق العاده و محدود کردن

اختیارات شورای عالی، پارلمان سابق، موافقت نکرد، از مقام دبیری شورای امنیت کناره گرفته شد. با این حال گفته می شود سکوکوف از معدود کسانی است که همواره می توانند با رئیس جمهور ملاقات کنند. طبق تحلیل شاخه های معاون نخست وزیر روسیه که اخیراً از مقام وزارت امور ملیت ها برکنار شد و سابقاً از مشاوران پلتنین بود، در حکومت مرکزی و ارگان های محلی روسیه، سه نیروی عمده در کسب قدرت و نفوذ رقابت می کنند: بخش نفت و گاز، که نماینده اصلی آن چرنومیردین، نخست وزیر فعلی و مسئول پیشین وزارتخانه است، صنایع نظامی و یا لایحه نمایندگان بخش کشاورزی که از منافع تعاونی های کشاورزی دفاع می کنند.

آندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه در دیدار با وزرای خارجه کشورهای عضو پیمان ناتو در استانبول گفت کشورش بر پایه طرح پیشنهادی این پیمان، موسوم به «مشارکت برای صلح»، با ناتو موافقت نامه ای امضا خواهد کرد و به مشارکت برای صلح خواهد پیوست. برخلاف اظهار نظرهای قبلی مقامات روسیه که خواهان موقعیتی ویژه برای روسیه شده بودند، کوزیرف گفت طرح ناتو برای پیوستن روسیه کافی است و تنها گفتگوهای دیر و دروکل مقرر مرکزی ناتو لازم است تا جزئیات قرارداد های مربوطه مورد توافق قرار گیرد.



رواندا: جنگی که بر بستروابط طایفه ای و به خاطر عدم رعایت حقوق اقوام و اقلیت ها در گرفته با دخالت نیروهای استعماری پیشین ایام خونین و وهشتناکی به خود گرفته است. فرانسه از طریق موبوتو دیکتا تورزئیر به نیروهای دولت کمک می کند و مطابق پاره ای گزارش ها انگلیس و آمریکا از طریق اوگاندا به شورشیان قبیله توتسی یاری می رسانند. خبرگزاری ها از کشته شدن ۵۰۰ هزار نفر از اهالی اوگاندا در جنگ خبر می دهند، که اکثر آن در اثر قتل و عام های طرفین متخاصم از قبیله مقابل از پای در آمده اند. عکس کودکی را نشان می دهد که پس از آزار یک قتل و عام مجروح و ناامید پشت دیواری بیمارستان نفس تازه می کند.

خبرهای کوتاه از سراسر جهان

مخالفت چین با تحریم کره شمالی

چین که به عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در این شورای حق وتو دارد، کماکان مخالف برقراری تحریم های بین المللی علیه کره شمالی به علت برنامه هسته ای این کشور است. وزیر خارجه چین در دیدار با همتای خود از کره جنوبی که به منظور جلب موافقت چین با تحریم کره شمالی به پکن رفته بود، اظهار داشت مجازات کره شمالی، کمکی به حل مسئله نمی کند. وزیر خارجه چین ضمن انتقاد از اقدامات آمریکا علیه کره شمالی، تأکید کرد که به نظر چین، همه طرف های درگیر باید خوشتن داری نشان دهند و باب مذاکره را نبندند.

مرگ جان خراش ۸۹ کودک در آنگولا

در جنگ داخلی آنگولا که ظاهراً رسانه های گروهی بین المللی آن را فراموش کرده اند، ۸۹ کودک قربانی یک خطای نیروی هوایی شدند. به علت مه، خلبان یک هواپیمای جنگی دولت آنگولا که گمان می کرد بر فراز مواضع شورشیان اویتا است، در یک منطقه تحت کنترل دولت بمب های خود را روی یک مدرسه ریخت. در نتیجه، این مدرسه ویران شد و ۸۹ کودک به قتل رسیدند. این کودکان نیز به شمار زیاد قربانیان جنگی اضافه شدند که بیست سال پیش با تحریک اویتا توسط رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی آغاز گردید و پس از وقفه ای کوتاه در پایان جنگ سرد، به علت خودداری اویتا از پذیرفتن نتایج انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل، از سر گرفته شد.

نگرانی از وضعیت حقوق بشر در الجزایر

علی یحیی عبدالنور رئیس جمعیت حقوق بشر الجزایر گفته است که اعمال قهرآمیز در این کشور از زمستان گذشته بدین سوافزایش یافته است. وی افزود دولت الجزایر نتوانسته است اوضاع را تحت کنترل خود در آورد. عبدالنور از اینکه در مطبوعات الجزایر از صدها نفر تلفات درگیری های این کشور از میان مردم عادی سخنی به میان نمی آید، انتقاد کرد. همچنین جبهه آزاد بخش ملی الجزایر که از احزاب اپوزیسیون این کشور است، طی نامه ای رئیس جمهور الجزایر را فراخواند دستور دهد که در مورد تعرضات نیروهای امنیتی به مردم تحقیق به عمل آید.

تهدید نخست وزیر ترکیه علیه یونان

روزنامه ملیت چاپ ترکیه به نقل از تانسو چیلدر نخست وزیر ترکیه نوشت این کشور گریونان حریم دریایی جزایر خود در دریای اژه را از شش به دوازده مایل دریایی افزایش دهد، دست به اشغال برخی از جزایر متعلق به یونان در این دریا خواهد زد. به دنبال این اظهارات تحریک آمیز، چنین وزیر خارجه دولت چیلدر در تلاش برای کاستن از عواقب دیپلماتیک ناگوار آن، گفت نقل قول فوق از یک گفتگوی خصوصی در چند ماه پیش بوده و بدون ارتباط با مطالب دیگری که در این گفتگو بیان شده بود، چاپ شده است. در عین حال، وزیر خارجه ترکیه باردیگر تأکید کرد در صورتی که یونان بخواهد آن گونه که اعلام کرده است، حریم دریایی خود را گسترش دهد، با واکنش ترکیه مواجه خواهد شد. بلند اجوبت رهبر حزب دمکراتیک چپ ترکیه از موضع گیری جنگ افروزان نخست وزیر این کشور حمایت کرده است.

دستگیری دهها بنیادگراد مصر

روزنامه نیمه رسمی الاهرام چاپ قاهره نوشت پلیس مصر ۲۷ بنیادگرای اسلامی را دستگیر کرده است. طبق این گزارش، دستگیرشدگان از رهبران شاخه نظامی گروه موسوم به جنتاعت اسلامی اند. اتهامات آنها، حمله به افراد پلیس در استان اسبیوط واقع در جنوب مصر و حمله به چند بانک قاهره است. الاهرام می نویسد پلیس در جریان عملیات اخیر خود توانسته است در بیش از ۲۰ مخفی گاه بنیادگرایان، اسلحه، مهمات و بیش از ۲۰۰ هزار دلار پول نقد ضبط کند. در همین حال اعلام شد که در دو سال اخیر، طی درگیری های پلیس و بنیادگرایان بیش از ۴۰۰ نفر کشته شده اند.

توافق برای آتش بس چهار هفته ای در بوسنی

طرف های جنگ داخلی در بوسنی طی مذاکراتی در ژنو توافق کردند که به منظور فرصت دادن به نمایندگان سازمان ملل جهت مذاکره برای برقراری صلح در این کشور، به مدت چهار هفته نبردها را متوقف کنند. این توافق بدنبال موفقیت های نظامی اخیر نیروهای دولت بوسنی در جنگ علیه صرب ها حاصل شد و اگر اجرا شود، پیشروی نیروهای بوسنی علیه مواضع صرب ها را متوقف خواهد کرد.

پارلمان جدید اروپا برگزیده شد

دمکرات مسیحی به رهبری هلموت کول صدراعظم این کشور، اندکی بر آرای خود افزود و به همراه اتحاد سوسیال مسیحی که در ایالت باواریا فعال است، به ۳۸/۸ درصد آرا دست یافت. سوسیال دمکرات ها و لیبرال ها، بازنده اصلی انتخابات در آلمان بودند. حزب سوسیال دمکرات ۳۲/۲ درصد و حزب دمکرات آزاد (لیبرال) ۴/۱

پسورد و تنها ۱۴/۵ درصد رأی دهندگان، این حزب را انتخاب کردند. حزب راست افراطی «جبهه ملی» به رهبری ژان ماری لوپن با ۱۰/۶ درصد و حزب کمونیست با ۶/۹ درصد، نسبت به دوره قبل بخشی از آرای خود را از دست دادند. سبزها توانستند آرای خود را دو برابر کنند و به ۱۰/۶ درصد برسانند. در آلمان، اتحاد

دست یافت. در فرانسه دو حزب نئوگلیست و لیبرال حاکم، لیست مشترکی برای انتخابات اروپا معرفی کرده بودند. با این حال این همگامی بیش از ۲۲/۵ درصد آرا را به ارمنان نیاورد. دز عوض، گروه ناسیونالیستی دویله که از مخالفان سرسخت پیمان ماستریخت است، با کسب ۱۲/۴ درصد آرا و گروه منشعب از حزب سوسیالیست به رهبری «تایی» با به دست آوردن ۱۲ درصد آرا به موفقیت چشمگیری دست یافتند. حزب سوسیالیست فرانسه نیز مانند احزاب حاکم، از بازندگان انتخابات اروپا

ادامه از صفحه ۱۲ در انتخابات در قیاس با سال ۱۹۸۹ افزایش یافت. در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مردم برای خود در انتخابات پارلمان اروپا، نارضایتی خود را از سیاست های احزاب حاکم نشان دادند. تعداد کرسی های محافظه کاران بریتانیا در پارلمان اروپا تقریباً به نصف کاهش یافت. حزب جان میجر نخست وزیر این کشور حدود ۲۷ درصد آرا را به دست آورد، در حالی که حزب کارگر توانست ۴۵ درصد آرا را کسب کند. حزب لیبرال دمکرات به ۱۶ درصد آرا

حزب توانست به ۳۰/۶ درصد آرا دست یابد و بدین ترتیب، در قیاس با انتخابات پارلمان خود ایتالیا که اخیراً برگزار شد، آرای خود را یک برابر کنیم. نتوفاشیت ها و گروه جدایی طلب اتحادیه شمال، که متحدان برلوسکونی در ائتلاف حاکم، بخشی از آرای خود را از دست دادند. حزب چپ دمکراتیک نیز که بزرگترین حزب اپوزیسیون ایتالیا است، اندکی از آرای خود را از دست داد و به ۱۹/۱ درصد آرا دست یافت. «حزب مردم» (دمکرات مسیحی سابق) نیز نتیجه ای بدتر از انتخابات پارلمان ملی کسب کرد.

درصد آرا را کسب کردند. سبزها بر آرای خود افزودند و ۱۰/۱ درصد آرا را به خود اختصاص دادند. حزب سوسیالیسم دمکراتیک نیز که به ویژه در شرق آلمان نفوذ دارد، برای نخستین بار در انتخابات پارلمان اروپا شرکت کرد و به ۴/۷ درصد آرا دست یافت. احزاب راست افراطی در قیاس با انتخابات پنج سال پیش، آرای زیادی از دست دادند. در ایتالیا، تنها حزبی که برنده انتخابات اروپا محسوب می شود، حزب دست راستی ایتالیا به پیش به رهبری سیلویو برلوسکونی نخست وزیر این کشور است. این

جنگ در یمن همچنان ادامه دارد

گروهی از کشورهای عربی، تلویحا یمن جنوبی را به رسمیت شناختند

این نبردها گزارشی منتشر نشده است. یمن جنوبی می گوید که دو هواپیمای جنگی یمن شمالی را سرنگون کرده است. در روزهای نخست پس از فراخوان شورای امنیت، یمن شمالی علیرغم این فراخوان، به ویژه پالا یسگاه عدن را مورد حمله قرار داد تا تولید بنزین جنوب را فلج کند. گزارش های رسیده از عدن حاکی است اکثریت مردم یمن جنوبی در جنگ با نیروهای شمال، حامی رهبری سیاسی جنوب اند. طبق یک گزارش، بسیاری از زنان یمن جنوبی خواهان دریافت اسلحه برای شرکت در جنگ علیه شمال شده اند. در جنوب یمن از ده ها سال پیش، حکومت غیرمذهبی برقرار است و زنان یمن جنوبی در مقایسه با شمال این کشور، از حقوق بیشتری برخوردارند. اعلام آتش بس توسط علی عبدالله صالح، بدنبال سفر ابراهیمی فرستاده ویژه سازمان ملل به صنعاء صورت گرفت. ابراهیمی روز ۱۹ خرداد با صالح مذاکره کرد و سپس عازم جنوب شد و با البیض رهبر جنوب به گفتگو پرداخت. به گزارش سازمان های بین المللی امداد، شمار ساکنان عدن به علت ورود آوارگان مناطق جنگی به این شهر از ۳۵۰ هزار به ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. در گزارشی که روز ۱۹ خرداد انتشار یافت، آمده است که وضع آبرسانی

پس از آنکه شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ای از طرفین جنگ داخلی در یمن خواست به درگیری خود خاتمه دهند، علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن شمالی در بیانیه ای اعلام کرد که به نیروهای خود دستور داده است آتش خود علیه مواضع نیروهای جنوب را متوقف کنند. به گزارش رادیو صنعاء، قرار بود این آتش پس از روز پنجشنبه ۱۹ خرداد اجرا شود. اما تنها یک روز بعد، یمن شمالی طرف مقابل را متهم کرد که درگیری را از سر گرفته است. روز جمعه ۲۰ خرداد، صنعاء مدعی شد که واحدهای ارتش جنوب در شمال عدن به سمت نیروهای شمال آتش گشوده اند. یمن شمالی می گوید که علیرغم این اقدام جنوبی ها، آتش بس را اکید رعایت کرده است. در عین حال، وزارت دفاع یمن جنوبی متقابلاً نیروهای شمال را مسئول نقض آتش بس دانست. در روز ۲۰ خرداد، نبردهای سنگین میان دو طرف ادامه یافت. در هفته های اخیر، حملات توپخانه یمن شمالی به عدن پایتخت جنوب ادامه یافت. پیش از اعلام آتش بس توسط رئیس جمهور شمال، یمن جنوبی اعلام کرد که عدن هدف قیقه مورد اصابت یک گلوله توپ قرار می گیرد. همچنین فرودگاه این شهر آماج حمله موشکی بود. در پی این حملات، مواضع نیروهای شمال از سوی هواپیماهای یمن جنوبی بمباران شد. از شمار تلفات

در عدن نگران کننده است. در صنعاء اعلام شد که فرستاده عواقب جنگ برای مردم غیرنظامی نیز کسب اطلاع کرده است. از آغاز جنگ داخلی در یمن، نزدیک به دو ماه می گذرد. به نظر می رسد کویت در تدارک شناسایی دیپلماتیک یمن جنوبی است. به نوشته یک روزنامه کویتی، الصباح وزیر خارجه کویت گفته است اگر جنگ داخلی یمن ادامه یابد، دولت متبوعش شناسایی یمن جنوبی را بررسی می کند. برخی گزارش ها حاکی از اقدام قریب الوقوع همسایگان عرب یمن در این شناسایی است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و به ویژه کویت، به علت جانبداری علی عبدالله صالح رئیس جمهوری یمن شمالی از عراق در جنگ کویت قصد تضعیف موقعیت او را دارند. دولت های محافظه کار همسایه یمن از این بیم دارند که یمن متحد و نیرومند، به متحد سیاسی عراق، جمهوری اسلامی یا سودان تبدیل شود. تا کید مشترک ولایتی و همتهای عراقی اش بر حفظ وحدت یمن که فعلاً شعار دولت یمن شمالی است، و نیز هشدار آنها در مورد مداخله خارجی در امور یمن را نیز باید از همین زاویه ارزیابی کرد. یمن شمالی، کشورهای محافظه کار عرب را متهم به حمایت نظامی پنهان از یمن جنوبی کرده است. به رسمیت

عراق می کوشد به انزوای خود پایان دهد

تغذیه را در عراق وخیم کنند، نمی توان انتظار داشت که شهروندان عراق این عمل را کمکی به آزادی سیاسی خود بدانند. وی گفت دیکتاتور عراق در دیدار نزدیک به دو ساعته خود با وی گفته است که واقف است در غرب چه وجهه های دارد، و انجام گفتگوهای بیشتری با غربی ها را ضروری می داند. به گفته "شترکن" صدام حسین در مورد روابط عراق با ایران گفته است: "خصوصاً با ایران، ریشه های تاریخی دارد. این خصومت، صدها سال قدمت دارد، و زمان لازم است تا روابط بهبود یابد. دیندار "شترکن" با صدام حسین، یک هفته پیش از ملاقاتش با ولایتی درین صورت گرفت. ولایتی هفته گذشته یک سفر غیررسمی به پنهان شرکت در یک کنگره پزشکی در آلمان داشت. ولایتی در این سفر علاوه بر رئیس کمیته خارجی پارلمان آلمان، وزیر خارجه آلمان را نیز ملاقات کرد. سازمان ملل، پرداخت غرامت به آسیب دیدگان از جنگ کویت از محل دارایی های بلوکه شده عراق در بانک های خارجی را آغاز کرد. اولین گروه از شاکیان خصوصی علیه عراق، دو هفته پیش طی مراسمی در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو، از پطرس غالی دبیر کل این سازمان غرامت هایی به مقدار مجموعاً ۲/۷ میلیون دلار دریافت کردند. پطرس غالی در این مراسم، پرداخت این غرامت ها را نقطه برجسته ای در کار بنیادی که به همین منظور از سوی سازمان ملل تأسیس شده است دانست. در مرحله اول، ۶۷۰ متقاضی در ۱۶ کشور غرامت دریافت کردند. به افراد مجرد ۲۵۰ دلار و به خانواده ها تا ۱۰ هزار دلار پرداخت شد. در این مرحله، ۵۰۰ نفر، که اکثر آنها اهل کویت و اردن اند، به علت جراحات خود یا مرگ بستگان نشان تقاضای غرامت کردند. بنیاد مربوطه سازمان ملل سه سال پیش کار خود را آغاز کرد. از آغاز کار این بنیاد، مجموعاً ۲/۴ میلیون تقاضای غرامت به مبلغ ۸۱ میلیارد دلار تسلیم بنیاد مزبور شده است.

ماه گذشته طارق عزیز وزیر خارجه سابق عراق در سفری به فرانسه و اسپانیا، خواهان حمایت این کشورهای اروپایی از لغو تحریم های سازمان ملل علیه عراق شد. طارق عزیز همچنین قصد داشت به آلمان نیز برود، اما به گفته مقامات عراقی، آلمانی ها از این دیدار استقبال نکردند و در نتیجه، طارق عزیز به بن نرفت. یک سخنگوی وزارت خارجه آلمان گفت وزیر خارجه پیشین عراق رسماً تقاضای سفر به بن نکرده بود. عراق در تلاش خود برای شکستن انزوا، به ویژه به پشتیبانی فرانسه، اسپانیا و آلمان امید بسته است. دعوت اخیر بغداد از "هانس شترکن" رئیس کمیته امور خارجی پارلمان آلمان را نیز باید در چارچوب همین تلاش ها ارزیابی کرد. "شترکن" دو هفته پیش به عراق رفت و با صدام حسین نیز دیدار کرد. این مقام آلمانی در بازگشت از بغداد گفت تحریم های شورای امنیت علیه عراق، باعث آن نشده است که مردم عراق علیه صدام حسین بپاخیزند. "شترکن" افزود هدفش از سفر اخیر، بررسی وضعیت برای دوره پس از لغو تحریم ها بوده است. به گفته وی، از هم اکنون می توان در هتل های بغداد بسیاری از باززرگانان و نمایندگان شرکت های خارجی را دید. به نوشته مطبوعات غربی، محافل نزدیک به کمیته تحریم های سازمان ملل پیش بینی می کنند که حداقل برخی از تحریم های این سازمان علیه عراق در سال آینده میلادی لغو شود. رئیس کمیته خارجی پارلمان آلمان پس از بازگشت از عراق اظهار داشت انتظار وقوع تحولات سیاسی بر اثر محاصره اقتصادی عراق، تحقق نیافته است. به گفته وی، برخی از عراقی های مخالف رژیم این کشور که او را نیز دیدار داشته است، گفته اند میزان طرفداری مردم عراق از حکومت این کشور، هیچگاه به حد امروزی بالا نبوده است. "شترکن" افزود: "وقتی در این کشور (آمریکا و متحدانش) مزارع گندم را با فوسفور می سوزانند تا وضع



گرچه جنگ در اطراف عدن تا حدودی فروکش کرده است، لیکن هنوز برای برقراری صلح میان شمال و جنوب این کشور دیده نمی شود. زنان عزادار، کودکان مجروح و مردانی که اسلحه های خود را برای جنگ آماده می کنند: اینها تصاویر امروز یمن هستند.

بحران مالی، حکومت خودمختار فلسطینی را تحت فشار قرار داده است

تنها چند هفته پس از رسمیت یافتن خودمختاری فلسطینی ها در نوار غزه و اریحا، حکومت خودمختار دچار بحران مالی شدیدی شده است و قادر به پرداخت حقوق مأموران پلیس و سایر کارمندان خود نیست. یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) که قرار بود این هفته به مناطق خودمختار برود، نخستین سفر خود به این مناطق را منوط به جبران کسری بودجه حکومت خودمختار توسط کشورهای که متعده به کمک به این حکومت شده اند، کرده است و گفته است نمایندگان این کشورها باید در دیدار خود با عرفات در پاریس، در این مورد قول مساعد بدهند. یکی از دستیاران عرفات ضمن اعلام این امر، اظهار داشت عرفات بدون حمایت مالی خارجی، به مناطق خودمختار نخواهد رفت. وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا از

اسرائیل خواست به علت بحران مالی ساف، به پرداخت حقوق کارمندان دولت در مناطق خودمختار ادامه دهد. در مقابل، بانک جهانی به عنوان شرط پرداخت کمک، از عرفات خواسته است پروژه های ساف در مناطق خودمختار، "قابل کنترل و محاسبه" باشد. عرفات، این شرط را یک "تحقیر" دانست. یک روزنامه اسرائیلی گزارش داد حسنی مبارک رئیس جمهور مصر می خواهد پس از دیدار عرفات از مناطق خودمختار، به عنوان نخستین رئیس کشور خارجی به این مناطق سفر کند. طبق این گزارش، مبارک اعلام آمادگی کرده است تا در اوایل تیرماه نخست به مناطق خودمختار و سپس به اسرائیل برود. مقامات آمریکایی گفتند وارن کریستوفر رئیس جمهور ایالات متحده در اواسط تیرماه عازم خاورمیانه خواهد شد. اسحاق رابین نخست وزیر

صورت گرفت که تا این سال گذشته در نامه ای به وزیر خارجه نروژ که میانجی گری بین اسرائیل و ساف را بر عهده داشت، اطمینان داده بود که همه نهاد های موجود فلسطینی در بیت المقدس شرقی، پس از برقراری خودمختاری نیز خواهند توانست به کار خود ادامه دهند. دو هفته پیش، ۲۰۰ زندانی دیگر فلسطینی از زندان های اسرائیل آزاد شدند. بدین ترتیب، طبق آمار مقامات اسرائیلی، حدود ۲۵۰۰ نفر از ۵۰۰۰ فلسطینی که به موجب قرارداد خودمختاری مورخ ۱۴ اردیبهشت، باید طرف پنج هفته پس از امضای این قرارداد آزاد شوند، آزادی خود را بازیافته اند. روزنامه القدس چاپ بیت المقدس شرقی نوشت در مجموع، ۸۸۰ فلسطینی به اتهام حمله مسلحانه به اسرائیلی ها توسط اسرائیل زندانی شده اند. طبق قرارداد خودمختاری، اسرائیل باید

پارلمان جدید اروپا بر گزیده شد

در فراندوم عضویت این کشور در اتحادیه اروپا به پای صندوق های رای رفتند. ۶۶/۴ درصد از رأی دهندگان به عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا رأی مثبت دادند. فرانتس ورنیتسکی صدراعظم سوسیال دمکرات اتریش، این نتیجه را بزرگترین موفقیتی خواند که دولت می توانست به دست آورد. انتخابات پارلمان اروپا با رأی گیری در بریتانیا، ایرلند، دانمارک و هلند آغاز شد. در این کشورها انتخابات معمولاً در روزهای کار انجام می گیرد. با این حال در این چهار کشور نیز شمارش آرا پس از بسته شدن صندوق ها در هشت کشور دیگر، در عصر روز یکشنبه ۲۲ خرداد، آغاز گردید. در هلند تنها ۳۵ درصد واجدین شرایط به پای صندوق های رای رفتند. در دانمارک و بریتانیا، میزان مشارکت

در روزهای ۱۹ و ۲۲ خرداد، انتخابات پارلمان اروپا در ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا برگزار شد. برای چهارمین بار، نمایندگان این پارلمان با رأی مستقیم مردم برگزیده شدند (در دوره های قبل از انتخابات ۱۹۷۹، نمایندگان پارلمان اروپا را پارلمان هر کشور برمیگزید). واجدین شرایط رأی دادن در اتحادیه اروپا به ۲۶۹ میلیون نفر بالغ می شوند. انتخابات اخیر در شرایط نارضایتی بسایقه مردم اروپا از دولت های ملی، بیکاری گسترده و کاهش میزان طرفداری از اندیشه وحدت اروپا برگزار شد. در ۱۲ کشور، بیش از ۱۰ هزار کاندیدا داوطلب عضویت در پارلمان ۵۶۷ نفری اروپا بودند. پنج سال پیش، میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمان اروپا، تنها ۵۸/۵ درصد بود. همزمان با انتخابات پارلمان اروپا، در اتریش مردم برای شرکت